



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان  
بخش حقوق اطفال

راپور تحقیقاتی  
نظری بر وضعیت اطفال کارگر در افغانستان

فهرست

۱	مقدمه و تاریخچه
۴	محور اصلی بحث درین راپور
۸	یافته های تحقیق
۲۰	اثرات موجودیت اطفال کارگر در کوتاه مدت
۲۲	اثرات موجودیت اطفال کارگر در درازمدت
۲۹	ضمیمه اول
۳۰	ضمیمه دوم
۳۷	ضمیمه سوم
۴۱	ضمیمه چهارم
۴۶	ضمیمه پنجم

## مقدمه و تاریخچه

حکومت‌ها این حق را به رسمیت می‌شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود. این موضوع بند اول ماده سی و دوم کنوانسیون حقوق طفل می‌باشد. افغانستان کنوانسیون حقوق طفل را در سال ۱۹۹۴ درست ۵ سال بعد از تصویب آن امضا نموده است و به تطبیق آن متعهد گشته است. از آن زمان تاکنون که اضافه تر از ده سال می‌گذرد وضعیت اطفال کارگرد افغانستان وخیمتر شده است. قانون اساسی افغانستان در موارد بیشمار به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر ضرورت حمایت از اطفال و بر مکلفیت دولت در قبال آسایش و حمایت اطفال تاکید نموده است:

منبع	محتوی
قانون اساسی افغانستان ماده ۵۴	در رابطه به مکلفیت دولت در حمایت از خانواده
ماده ۵۳ قانون اساسی افغانستان	در رابطه به مکلفیت دولت برای حمایت از اطفال بی سرپرست، کهن سالان و زنان بیوه
ماده ۴۹ قانون اساسی افغانستان	در رابطه به منع تحمیل کار بر اطفال
ماده ۴۳ قانون اساسی افغانستان	تضمین حق دسترسی مساویانه همه به تعلیم و تربیه
قانون کار افغانستان ماده ۱۳ بند دوم و سومو چارم	اکمال سن ۱۸ سالگی در کار در صنایع ثقیله و اکمال سن ۱۵ در صنایع خفیفه و اکمال سن ۱۴ سالگی برای کارآموزان

**ماده ۵۴ قانون اساسی افغانستان:** "خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تامین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای ازبین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ مینماید." {

**ویا ماده ۵۳ قانون اساسی افغانستان:** "دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای باز توانی معلولین و معیوبین و سهمگیری فعال آنها در جامعه، مطابق احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ مینماید. دولت حقوق متقاعدین، را تضمین نموده برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضات مطابق احکام قانون کمک لازم به عمل می‌آورد."

چنانچه ذکر شد وضعیت اطفال در افغانستان امروز هم نگران کننده است؛ تعداد بیشمار اطفال افغانستان با بدترین اشکال کارگری مواجه اند؛ تعداد رو به افزایش اطفال کارگر در روی سرک ها، اطفال که برای تگدی مورد استفاده قرار میگیرند، شمار غیر قابل تصور اطفال مصروف در کارگاه های قالبین بافی، شمار غیر معلوم اطفالی که در فعالیت های قاچاق مواد مخدر و امثال آن مورد استفاده قرار میگیرند، اشتغال اطفال در کارخانه های ثقیل ترمیم موتر، فلزکاری و امثال آن حقیقت تکان دهنده است که نسل آینده کشور را هر روز بیشتر از پیش تهدید میکند.

چنانچه اطفال کارگر با توجه به موقعیت آسیب پذیری شان بیشتر از هر گروه دیگر میتوانند در معرض خطر قرار گیرند و این خطر میتوانند شامل انواع سو استفاده از آنها از نظرفزیکي، مادي، جنسي، رواني و غیره باشد.

محرومیت اطفال کارگر از دسترسی کیفی به تعلیم و تربیه زنگ خطری است که ما را از یک نسل غیر ماهر و بیسواد هوشدار میدهد. بر علاوه رابطه کار اطفال با اعتیاد به مواد مخدر، قاچاق و اختطاف، تخلف از قوانین، ابتلا به امراض مانند ایدس و امثال آن بسیار روشن و هویدا است.

به طور عموم اطفال کارگر در افغانستان به خطرات جسمی و روانی مواجه بوده از دسترسی به تعلیم و تربیه کیفی نیز محروم اند.<sup>۱</sup>

در حالیکه قانون اساسی افغانستان به طور مشخص روی مسله کار اطفال و برعلاوه روی حق طفل برای دسترسی به تعلیم و تربیه تماس میگیرد و به صورت صریح تذکر میدهد که:

**"تحمیل کار اجباری ممنوع است. سهمگیری فعال در حالات جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وحایب ملی هر افغان میباشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد." (ماده ۴۹ قانون اساسی افغانستان)**

و

**"تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به طور رایگان از طرف دولت تامین میگردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام های موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم میکنند فراهم نماید." (ماده ۴۳ ق ۱۱)**

و همچنان قانون کار افغانستان که بعد از تصویب قانون اساسی دست نخورده باقی مانده است؛ سن کار را برای اطفال در افغانستان (۱۴ سال) برای ۳۵ ساعت در هفته و تنها در مواردی که کار به هدف یادگیری باشد سن (۱۲) مجاز دانسته است. پایانتز از آن به صورت قطع ممنوع میباشد.

کار اطفال در اسناد بین المللی:

---

بر اساس تعریف ارائه شده برای کار اطفال توسط سازمان بین المللی کار هر نوع کاری که رشد فزیکي و روانی طفل را مختل ساخته و مانع دسترسی او به تعلیم گردد در زمره کار های ممنوعه

شمرده میشود. 1

منبع	محتوی
ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر	مکلفیت دولت در حمایت از خانواده
ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک	مسولیت دولت در حمایت از اطفال و کمک به والدین اطفال نیازمند به کمک جهت پرورش سالم
ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک	منع استثمار اقتصادی اطفال
ماده ۲۴ عهدنامه حقوق سیاسی و مدنی	حمایت از اطفال توسط دولت، اجتماع و خانواده بدون هر نوع تبعیض

بر علاوه افغانستان با تعهد به اسناد معتبر بین المللی به شمول کنوانسیون حقوق طفل، عهد نامه حقوق سیاسی و مدنی و عهد نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و مدنی مسولیت عظیم حمایت از اطفال را در برابر کار شاقه قبولدار شده است. که این مسولیت ها در بر گیرنده موارد مشخص ذیل میباشد:

{ ۱ } حکومت حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و اجتماعی اوست، به رسمیت می شناسد (۲) تامین شرایط مطلوب برای کودک، در مرتبه نخست، وظیفه والدین و یا سرپرست اوست. (۳) حکومت ها بر پایه امکانات و قوانین داخلی خود، تلاش می کنند تا به والدین و یا سرپرست قانونی کودک کمک های لازم را نموده و در صورت نیازمندی، برای آنها خوراک، مسکن و تن پوش فراهم کنند. (۴) حکومت ها برای تامین خواست های مالی کودک در برابر والدین و یا سرپرست، چه در داخل و یا خارج از کشور، اقدامات مقتضی را انجام می دهند. (ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق طفل){

به همین ترتیب :

{ ۱ } حکومت ها این حق را به رسمیت می شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود. (۲) حکومت ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می برند. حکومت ها برای این منظور و در هماهنگی با پیمان ها و توافق نامه های بین المللی دیگر، ضمن تعیین سن آغاز اشتغال و تنظیم مدت و شرایط کار کودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادی دولت خاطی را بررسی می نمایند. (ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق طفل){

{ خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود (بند سوم - ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر){

۱- هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض (از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارائی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد. (ماده ۲۴ عهدنامه حقوق سیاسی و مدنی)

اما هنوز هم در وضعیت اطفال کارگر بهبود به میان نیامده و وضعیت آنها از نظر کیفی و کمی نگران کننده میباشد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توجه به مبرمیت این موضوع و با توجه به مسولیت عظیمی که در رابطه به حمایت، ارتقا و نظارت از حقوق بشر بر مبنای ماده ۵۸ قانون اساسی کشور دارا میباشد و با توجه به اینکه حفاظت، ارتقا و نظارت از حقوق اطفال جز عمده از فعالیت ها و مسولیت های این نهاد میباشد؛ برای بررسی کیفی مسله اطفال کارگر در افغانستان به تهیه راپوری در مورد اقدام نمود.

با اینکه این راپور تصویری از کمیت اطفال کارگر در افغانستان را ارائه نمیکند؛ اما کوشش اعظمی صورت گرفته است تا با گروه های وسیع از اطفال کارگر در مناطق مختلف کشور صحبت شود و با استفاده از آن تصویری کیفی از وضعیت اطفال کارگر در افغانستان ارائه گردد.

محور اصلی بحث درین راپور

### **بررسی وضعیت اطفال کارگر در افغانستان**

**تثیت دوره های سنی که اطفال در آن بیشتر مصروف کار اند.**

**مقایسه اطفال کارگر از نظر جنسی**

**دریافت رابطه کار اطفال با تعلیم و تربیه**

**دریافت عواملی که باعث کشانیدن اطفال به کار شده است**

**دریافت نوعیت کاری که اطفال عمدتاً به آن اشتغال دارند**

**مدت زمانی که در شبانه روز اطفال مصروف کار میباشند**

**دریافت هدف اطفال از کارکردن**

**عکس العمل اجتماع در رابطه به کاراطفال**

**شیوه تهیه راپور**

برای تهیه معلومات غرض تهیه این راپور فورم های مختصری که در برگیرنده موضوعات فوق بود تهیه گردیده و این فورم ها توسط کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و رضاکاران بخش حقوق طفل در ۳۴ ولایات تکمیل و خانه پری گردیده است. به طور مجموعی با ۱۸۴۴۳ طفل و ۵۰۱ بزرگسال مصاحبه صورت گرفته و به تعداد ۴۰ نفر در پروسه جمع آوری معلومات شامل بوده اند.

مصاحبه کنندگان غرض تکمیل فورم و مصاحبه با اطفال کارگر عمدتاً به محلات کار اطفال مثل ورکشاپ های ترمیم موتر، فلزکاری، کارگاه های قالبین بافی، اطفال موجود در مراکز که از سوی موسسات غیر دولتی برای اطفال کارگر ایجاد شده و امثال آن مراجعه نموده و با هر طفل به طور انفرادی مصاحبه نموده اند. بناً ارقام مندرج درین راپور به تعدادی از اطفالی که در داخل خانه ها مصروف کار اند و احتمالاً تعداد آنها نیز قابل توجه است اشاره مشخصی ندارد؛ در حالیکه موضوعات کلی آن بدون شک تمام اطفال کارگر را در بر میگیرد.

کار روی تهیه این راپور در ماه جولای ۲۰۰۵ آغاز و در مارچ ۲۰۰۶ خاتمه یافته است.

## بعضی از اصطلاحات

کار اطفال/ اطفال کارگر و بدترین شکل کار طفل:

**کار مجاز برای اطفال:** اشتراک اطفال در فعالیت های اقتصادی که تاثیر منفی بالایی صحت و انکشاف او نداشته باشد و پروسه دسترسی وی را به تعلیم و تربیه مختل نسازد؛ میتواند مثبت باشد. فعالیت های که تعلیم و تربیه را مختل نسازد بر اساس کنوانسیون ۱۳۸ سازمان جهانی کار بعد از سن ۱۲ ساله مجاز پنداشته میشود.

**اطفال کارگر:** این تعریف به صورت مشخص به آن گروه اطفال اشاره میکند که بر خلاف استندرد های بالا به کار مشغول باشد. به این معنی که تمام اطفال که در تحت سن ۱۲ در فعالیت های اقتصادی سهم میگیرند؛ تمام اطفال بین سنین ۱۲ و ۱۴ که به کار های پرخطر اشتغال میوزند و تمام اطفال در تحت سن ۱۸ که به بدترین اشکال کار مشغول باشند.

**بدترین اشکال کار:** در برگیرنده بهره برداری از اطفال، قاچاق اطفال، استخدام اجباری، اجبار به انجام کار های غیر قانونی و قراردادن اطفال در معرض کار های پر مخاطره میباشد.

## تاریخچه اطفال کارگر

اطفال همیشه بخاطر نیروی کار شان مورد سو استفاده قرار گرفته اند. مفکوره های در رابطه به تامین حقوق اطفال کارگر فقط درین اواخر نضج گرفته است. حتی در قرن ۱۹ در کشور های مانند انگلستان، امریکا، کانادا، جاپان، استرلیا و زیلاند جدید از کار اطفال به حیث نیروی ارزان در کارخانه ها، فابریکات و خانه های افراد متمول استفاده میشد. کار دوامدار توسط نهاد های حقوق بشر و جامعه مدنی باعث ایجاد و طرح یک سلسله قوانین در بین سال های ۱۸۳۳ و ۱۸۶۷ گردید که طی آن تعیین مقررات برای ساعات کار و حمایت از اطفال و نوجوانان کارگر و تعلیمات اجباری برای آنها گنجانیده شده بود.

در قرن بیست گسترش آگاهی مردم و جامعه از موضوع باعث گردید که سازمان بین المللی کار استندرد های را برای حمایت از اطفال کارگر وضع نماید که آخرین سند تا فعلاً کنوانسیون بدترین اشکال کار است که در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسیده است. در نتیجه امروز تقریباً تمام کشور های جهان حد اقل سن کار را در قوانین خود تعیین نموده اند. این قوانین همیشه عملی نمیشود و به همین دلیل سو استفاده از اطفال در ساحه کار همچنان در سراسر دنیا ادامه دارد.

## اطفال کارگر در استندرد های بین المللی

برای اینکه اطفال کارگر را به صورت درست آن تشخیص نماییم لازم است به استندرد های قبول شده جهانی در ین مورد نظریاندازیم. از جمله اسناد معتبر بین المللی درین رابطه کنوانسیون ها و مقاوله های مربوط به سازمان بین المللی کار است که از جمله اصل ۱۸۲ در زمینه تعیین حد اقل سن کار و اصل ۱۸۳ در رابطه به بدترین اشکال کار قابل بررسی میباشد. به همین ترتیب لازم است به اصطلاحات و برداشت های از اطفال کارگر و اطفال که در فعالیت های اقتصادی سهیم اند و امثال آن توجه داشته باشیم.

**این کنوانسیون ها بین فعالیت های اطفال که در زمره کار ممنوعه به شمار میروند و باید از میان برداشته شوند و فعالیت های که میتواند به رشد سالم طفل کمک نماید تفکیک را به وجود آورده است.**

کنوانسیون حد اقل سن اشتغال ۱۸۲ اشاره میکند که "قوانین ملی باید حد اقل سن اشتغال را که در آن سن اطفال میتوانند به انواع کار اشتغال بیابند؛ تثبیت نمایند." با اینکه کنوانسیون تاکید میکند که این حد اقل سن نباید کمتر از سن تکمیل تعلیمات متوسطه باشد و در تحت هیچ شرایطی نباید پایتتر از سن ۱۵ باشد؛ اما تعیین سن ۱۶ بیشتر ترجیح داده میشود. بر علاوه این کنوانسیون از طریق صدور جواز برای اشتغال در شرایط استثنایی به سن ۱۴؛ امکاناتی را هم در اختیار کشور های که قادر به تطبیق این اصل نیستند قرار میدهد. بر علاوه تذکر میدهد که کار های سبک میتواند فوق سن ۱۲ نیز اجازه داده شود، کار های که خطری در قبال نداشته باشد در سن ۱۵ و بالاتر از آن و اما کار های که طفل را از نظر جسمی، روانی و دسترسی به تعلیم و تربیه به مخاطره اندازد به صورت قطع جواز ندارد.

ILO یا سازمان بین المللی کار، کار های سبک را شامل فعالیت های میداند که به صحت و انکشاف جسمی طفل ضرر نداشته باشد و موانعی را در دسترسی آنها به تعلیم و تربیه و تعلیمات مسلکی ایجاد نکند.

برعلاوه این کنوانسیون کار های پر مخاطره را نظر به تعداد ساعات مشغولیت در کار، شرایط کار و تاثیر آن در حضور در مکتب تعریف میکند. اما این کنوانسیون هیچ معیاری را برای ساعات کار، شرایط کار و غیره که ان را در زمره فعالیت های بی خطر و یا پر خطر قرار دهد ارائه نمیکند و بیشتر تعیین آنها به دوش دولت ها گذاشته است.

اما کنوانسیون در رابطه به بدترین اشکال کار ۱۸۲ که در سال ۱۹۹۹ تصویب گردید و به تعداد ۱۹۴ کشور آنها تایید نموده اند؛ محدودیت های را در زمینه نوعیت اشتغال اطفال وضع میکند. این سند دسته فعالیت های ذیل را به صورت قطع برای اطفال غیر ممکن میداند:

تمام انواع بردگی و یا فعالیت های مشابه به بردگی مثل فروش، قاچاق اطفال، کار اطفال در بدل پرداخت قروض، کار اجباری به شمول اجبار در فعالیت های نظامی، استفاده و یا فروش اطفال برای فعالیت های منافی اخلاق؛ تصویر برداری از اطفال برای مقاصد جنسی و امثال آن، استفاده از اطفال برای انجام فعالیت های غیر قانونی مثل قاچاق مواد مخدر و سایر اعمال ممنوعه بین المللی کار های که به صورت طبیعی و یا در شرایط مشخصی صدمه به صحت و روان طفل وارد نماید.

با توجه به کنوانسیون سازمان بین المللی کار دیده میشود که این کنوانسیون اختیارات بیشتری را هم در زمینه تعریف اطفال کارگر و هم در مورد تعیین حد اقل سن برای کار به دوش دولت ها گذاشته است. با اینکه اگر این صلاحیت برای دولت با در نظر داشت سایر تعهدات شان در رابطه به حقوق اطفال به شمول کنوانسیون حقوق طفل داده شود میتواند مثبت باشد؛ اما در هر صورت این امر باعث گردیده است تا در ارائه تعریف مشخص از اطفال کارگر و تعیین حد اقل سن برای اشتغال وحدت عمل در سراسر دنیا وجود نداشته باشد.

**این کنوانسیون بر علاوه به صورت مشخص فعالیت های پرخطر که برای تمام اطفال (تمام افراد تحت ۱۸) ممنوع میباشد به طور ذیل شرح میدهد:**

(الف) کاری که اطفال را در معرض بدرفتاریهای بدنی، روانی و جنسی قرار میدهد؛

(ب) کار زیرزمینی، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک و یا در محلات محدود؛

(ج) کار با ماشین آلات خطرناک، تجهیزات و ابزار یا آنهایی که کاربرد آن با دست صورت میگیرد یا حمل و نقل

## بارهای سنگین

(د) کار در محیط غیر صحیحی که ممکن بطور مثال اطفال را در معرض اشیاء و مواد زیان آور، عوامل و روندها و درجه حرارت، صدای بلند و اهتزازات قرار بدهد که برای صحت اطفال مضر باشد؛

(ه) کار تحت شرایط مشکل مانند کار برای ساعت های طولانی یا در هنگام شب یا جایی که اطفال بدون موجب در تعمیر کارفرما مقید بماند.

کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین المللی کار همچنان به تعیین سن برای اشتغال میپردازد و این سن را ۱۵ مقرر میدارد البته با در نظر داشت استثنائات در بعضی کشورها در زمینه تطبیق آن و در نظر داشت کتگوری های تعیین شده برای کار های سبک، سنگین و پرخطر.

به همین ترتیب کنوانسیون حقوق طفل که روی حقوق تمام اطفال در هر قسمت دنیا صحبت میکند موضوعات زیادی را در رابطه به اطفال کارگر تحت پوشش قرار میدهد. این کنوانسیون بر علاوه دارای دو پروتوکل اختیاری میباشد که ابعاد مختلف از حقوق اطفال به شمول بعضی رهنمودها برای اطفال کارگر را شامل میشود.

## یافته های تحقیق

## الف نوعیت اشتغال اطفال

شماره	نوعیت اشتغال	تعداد
۱	انواع دست فروشی	۳۴۷۴
۲	انواع کار دستی	۱۵۱
۳	انواع کار ترمیماتی و ویرنگ کاری	۴۹۹
۴	آهنگری	۱۱۱۳
۵	حمالی و جوالیگری	۳۶۵
۶	چپک فروشی و چپکسازی	۱۷
۷	چوب فروشی	۷۶
۸	دهقانی/ باغبانی	۶۱۵
۹	دکانداری و شاگرد دکان	۲۱۶۷
۱۰	شاگرد در کسبه کاری	۶۲۱
۱۱	گارسون	۳۵۰
۱۲	قالین بافی	۱۴۱۴
۱۳	جمع آوری زباله ها ، هیزوم	۴۱۳
۱۴	کار روی سرک	۲۰۳
۱۵	کار در کارخانه	۳۹
۱۶	مزدورکاری	۷۳۶
۱۷	جمع آوری خسته و نخود پاکی	۴۲
۱۸	حلبی سازی	۱۶۹
۱۹	میخانیک	۱۹۶۱
۲۰	کراچی وان	۴۵۰
۲۱	کفاشی	۱۲۶
۲۲	گدا	۵۹
۲۳	خیاطی	۱۱۴۹
۲۴	مال داری	۱۳۱
۲۵	مستخدم	۱۴۵
۲۶	موتور شویی ، کلینر	۱۰۱
۲۷	هنرمند	۲۹
۲۸	ویرنگ کار	۱۶۶
۲۹	متفرقه	۲۸۱

طوریکه در جدول فوق میبینیم اطفال به انواع فعالیت های اقتصادی مشغول اند اما بیشترین تعداد اطفال به کار در روی سرک ها، قالین بافی، کار در مزارع، فروشندگی، آهنگری، حوالی گری، تگدی مصروف اند. هرگاه فعالیت های لست شده فوق را از دید کنوانسیون سازمان بین المللی کار ببینیم میتوان آنها را به سه کتگوری تقسیم نمود:

کار های سبک

کاري های ثقيل

کار های خطرناک

البته تثبیت اینکه از جمله کار های که اطفال به آن اشتغال دارند کدام آن در زمره کار های پر خطر و کار های ثقیل قرار میگیرد؛ بیشتر بستگی به این دارد که کار مذکور توسط اطفال در کدام سنین، در تحت چه نوع شرایط و بلاخره برای چي مدت صورت میگیرد. به طور مثال فروشندگی در بازار امکان دارد از نظر فزیکي کار ثقیل نباشد اما از نظر اینکه یک طفل شش ساله و یا پایانتر از آن به آن اشتغال میورزد، یک طفل از هفت صبح الي هفت شام به آن اشتغال میورزد و یا هم در هوای بسیار سرد و یا بسیار گرم بدون داشتن حد اقل امکانات محافظوي به آن اشتغال میورزد میتواند در زمره کار های پرخطر قرار گیرد. براساس این راپور حد اعظم فعالیت های انجام شده توسط اطفال میتواند در کتگوري فعالیت های پرخطر و یا هم ثقیل حساب شود. به طور نمونه به عمده ترین فعالیت های که اطفال به آن اشتغال دارند میپردازیم:

## ۱ اطفال در مزارع

از جمله ۱۸۴۴۳ طفلي کارگري که درین تحقیق سهم گرفته اند؛ تقریباً (۶۸۵) که (%) را تشکیل میدهد؛ به کار در مزارع مصروف اند. این کار در بر گیرنده انواع و اقسام فعالیت های از قبیل جمع آوري غله جات و میوه جات میباشد که نیروي فزیکي بیشتری را نیاز دارد زیرا این اطفال باید بار ها خود را خم نمایند و دوباره بلند شود و بر علاوه محموله سنگین را از عقب خود بکشانند. بر علاوه اطفال در کار در مزارع باید در آبیاری، پاک کردن کانال های آب و امثال آن درگیر شوند. اطفالي که در مزارع کار میکنند همچنان با انواع نباتات مثل تریاک مواجه اند که خود از نظر صحتی برایشان خطرناک است. اطفال که در مزارع کار میکنند اکثراً به درد های کمر و ستون فقرات مبتلا اند بر علاوه به تکالیف جلدی از اثر تماس دوامدار با خاک، بیل و سایر وسایل مصاب میباشند.

کار در مزارع با توجه به اینکه افغانستان یک کشور زراعتي است از جمله مشغولیت های غیر قابل انکار برای فامیل ها به شمار میرود؛ اما این کتگوري فعالیت ها میتوانند صدمات عظیم فزیکي و صحتی را برای اطفال به بار آورد.

## ۲ اطفال فروشنده در روی سرک ها:

بر اساس نتایج سروی بیشترین تعداد اطفال به فروشنده گی در بازار ها، ایستگاه های موتو، جوار رستوران ها میپردازند. بااینکه این کار آنقدر ثقیل به نظر نمیرسد؛ اما این دسته از اطفال به بیشترین خطر ها مواجه اند. زیرا این دسته از اطفال مجبور اند برای فروش از صبح های وقت الي شام های ناوقت و حتی نیمه شبان در جاده ها حضور داشته باشند؛ حضور

اطفال در بازارها بدون داشتن هیچ نوع چتر حمایتی آنها را میتواند در برابر خطر سو استفاده های جنسی، اعتیاد به مواد مخدر، کشانده شدن به دنیای جنایت مواجه سازد. برعلاوه برودت و گرمی هوا در فصل های مختلف سال آنها را میتواند به خطرات صحتی مواجه نماید. اضافه بر این اطفال از جهت اینکه ساعات بیشتری را باید کار نمایند از رفتن به مکتب یا محروم میمانند و یا هم حضور آنها در مکتب از نظر کیفی در سطح بسیار پایین قرار میگیرد. همچنان این اطفال به دلیل اینکه نمیتوانند عاید لازم را از فروشندگی به دست بیاورند در بسیاری حالات دست به تگدی هم میزنند.

**این راپور با تعداد بیشتر از ۱۵۰۰ طفل فروشنده روی سرک مصاحبه نموده است.**

### ۳ اطفال قالین باف

این راپور افشا میکند که تعداد زیادی از اطفال و در سنین بسیار خورد به کار در کارگاه های قالین بافی کشانده میشوند. همه میدانند که قالین های دست باف از جمله اقلام صادراتی کشور بوده و از بهای فراوان برخوردار است و بر علاوه کار دوامدار میخواهد. یکی از قالین بافان گفت: **" اطفال با ظرافت و سرعت بیشتر قالین میبافند زیرا انگشتان آنها خاصیت ارتجاعی بیشتر دارد"**. تعداد مجموعی اطفالی قالین باف که درین تحقیق با آنها مصاحبه صورت گرفت به ( ۱۴۱۴ ) میرسد که به هیچ وجه قابل مقایسه با تعداد اصلی اطفالی نیست که درین صنعت نیروی کار را تشکیل میدهند. این قالین باف در مورد دیگر گفت: **" برای حفظ کیفیت قالین باید نور کمتر استفاده شود و اطفال در نور کمتر میتوانند بهتر از بزرگسالان کار نمایند"**. چنانچه اکثر اطفالی که از سنین بسیار خورد ۶ و ۷ ساله به کار در کارگاه قالین میپردازند به زودی نور چشم شان ضعیف میشود و برعلاوه از اثر تنفس گرد و غبار ناشی از پشم قالین به انواع امراض تنفسی مواجه میگرددند.

تمام اطفال در صنعت قالین برای ساعات متوالی کار مینمایند، از این جهت آنها از رفتن به مکتب نیز محروم باقی میمانند. چنانچه قبلاً تذکر به عمل آمد کار اطفال را میتوان از نقطه نظر ساعات کار، نحوه کار و سن اشتغال بررسی نموده و مرز بین کار های مجاز و ممنوع بر کشید. طوریکه میبینیم اطفال در صنعت قالین از سنین بسیار خورد حتی ۶ سال شروع به کار میکنند، برای ساعات متمادی الی ۱۲ ساعت کار میکنند و کار آنها درین عرصه به صحت شان فوق العاده خطرناک ثابت میشود؛ بناً جا دارد حرفه قالین بافی را برای اطفال در زمره کار های ممنوع قرار دهیم.

### ۴ اطفال مشغول در کارخانه های ترمیم موتر و ماشین آلات

دسته دیگری از اطفال در افغانستان به کار در کارخانه های ترمیم موتر و ماشین آلات مشغول اند. این اطفال از نظرفزیکي همیشه فشار بیشتر از ظرفیت شان را متحمل میشوند. این اطفال به خطرات بیشمار صحتی مواجه اند که امکان دارد حتی سبب معیوبیت دوامدار آنها گردد. از نظر ثقل کار این اطفال نیز از صبح وقت آغاز به کار مینمایند و تا گشت و گذار عراده جات دوام دارد در دکان باقی میمانند. بر علاوه این اطفال به خشونت از جانب کار فرما (صاحب دکان) نیز مواجه میباشند و همیشه مورد توهین قرار دارند. این دسته از اطفال نیز هیچ نوع لذت دوران طفولیت را تجربه نمیکنند، بر علاوه بر اساس شرایط وضع گردیده توسط کار فرما در بسیاری حالات از رفتن به مکتب محروم باقی میمانند.

## ۵ اطفال آهنگر و فلزکار

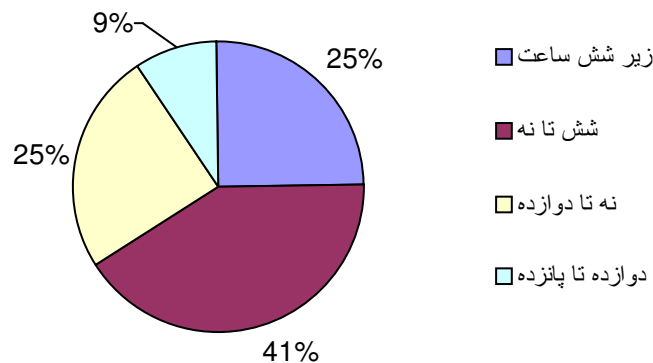
این کتگوری از اطفال کارگر نیز مشابه به آنچه در فوق ذکر شد در معرض خطرات صحتی قرار دارند که بیشترین این اطفال از ناحیه چشم و هم کمر شکایت دارند.

## ۶ اطفال گدا

اطفال گدا را میتوان به دو دسته تقسیم نمود، یکی اندسته از اطفالی که به صورت حرفوی دست به گدایی میزنند و دسته دوم انعده اطفالی دستفروش اند که از ترس اینکه عایدی نکرده اند برای فروش اموال خود و یا هم در پهلوی فروش اموال خود دست به تگدی میزنند. هر زمانی که هریک از ما و شما به شهر براییم به تعداد کثیری از این اطفال برمیخوریم. این اطفال نیز ساعات متمادی در جاده ها و کوچه ها میمانند و حتی به کار خود تا نیمه های شب ادامه میدهند. آنچه در رابطه به این دسته اطفال باید یاد آوری گردد استفاده از آنها به واسطه بزرگسالان میباشد. آری عده کثیری از این اطفال به واسطه بزرگسالان استخدام میگرددند و به گدایی وادار میگرددند و فیصدی عمده از عاید به دست آمده را نیز تصاحب میکنند. سو استفاده از اطفال در تگدی چي به وسیله والدین و اعضای فامیل شان و چي هم به وسیله نفر سومي که طفل را به کرایه میگیرد از سنین بسیار خورد حتی از زمان شیرخوارگی صورت میگیرد که میتوان به آن بدترین شکل سو استفاده عنوان داد.

## ب ساعات اشتغال

ساعات اشتغال اطفال



تعداد زیادی از اطفال برای ساعات متوالی و مانند بزرگسالان مجبور به کار اند. بر اساس کنوانسیون سازمان بین المللی کار در رابطه به بدترین اشکال کار یکی از علایم برای تثبیت بدترین اشکال کار و یا کاری که برای طفل میتواند خطرناک باشد کارمتوالی و دوامدار میباشد. از آنجاییکه استندرد های روشن در زمینه ساعات کار برای اطفال در کشور ما موجود نمیشد و از طرفی هم افغانستان متعهد به تطبیق کنوانسیون های سازمان بین المللی کار نیست؛ بسیار مشکل است تا بین ساعات کاری مجاز و غیر مجاز خطی کشیده شود و از هم جدا ساخته شود در حالیکه در بعضی دیگر از کشور ها با طرح استندرد ها در زمینه کوشیده اند به این مشکل فایق آیند. طور مثال در بعضی از کشور ها حد اعظم ساعات کار برای اطفال

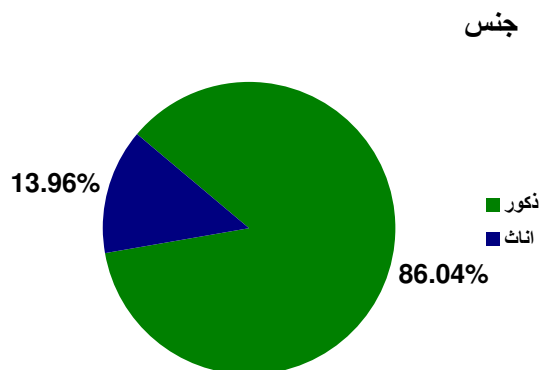
بین ۱۱- ۱۸ را دوازده ساعت، حد اعظم کار برای اطفال بین ۹ - ۱۱ هشت ساعت و برای اطفال تحت ۹ سال کار را به کلی ممنوع اعلان نموده اند.

باید به خاطر داشت که هرگونه تنظیم ساعات کار برای اطفال باید با توجه به ساعات مکتب، تفریح و استراحت اطفال صورت گیرد.

نتایج تحقیقات ما ساعات کار را برای اطفال کارگر در افغانستان از تحت شش الی ۱۵ ساعت دریافت نموده است. که البته بیشترین تعداد اطفال بین ۶ الی ۹ ساعت کار مینمایند در حالیکه فیصدي قابل ملاحظه از اطفال حتي بالاتر از این حد يعني در کتگوري هاي ۹ الی ۱۲ و ۱۲ الی ۱۵ قرار گرفته اند . این رقم در برگيرنده ۵۶۳۱ طفل يعني (۲۱%) از مجموع تعداد اطفال سروی شده میباشد.

قانون کار افغانستان که از زمان حکومت طالبان به این طرف بازنگري نشده است ساعات کار را برای افراد تحت سن ۱۴ (۳۵ ساعت درهفته) که تقریباً ۵ الی ۶ ساعت در شبانه روز میگردد. تثبیت کرده بود؛ در حالیکه کار برای افراد الی ۱۳ سال را فقط به منظور آموزش و پایین تر از آن را تحت هر عنوانی منع اعلام میکند. البته باید علاوه نمود که روحیه قانون کار افغانستان فقط به اشتغال رسمي ارتباط میگیرد و هیچ اشاره به استخدام اطفال در سکاتور خصوصی و یا کار اطفال به صورت انفرادي به عمل نیامده است.

### جنسیت و اشتغال



چنانچه قبلاً تذکر به عمل آمد؛ مقایسه بین تعداد دختران کارگر و پسران کارگر در جریان این راپور با توجه به اینکه دختران اکثراً در داخل خانه ها کار میکنند به شکل قناعت بخش آن مقدور نبوده است؛ اما بازم با تعداد قابل ملاحظه دختران درطي تهیه این راپور مصاحبه صورت گرفته است که در برگيرنده ۲۵۶۱ دختر میباشد؛ در حالیکه رقم پسران ۱۵۷۸۷ را نشان میدهد.

۲. قانون کار افغانستان اشاره به کار های دولتی و سکتوری دارد در حالیکه امروز مشکل اطفال کار گر ناشی از کار های انفرادی و استخدام در کارگاه های انفرادی میباشد که درین قانون اشاره به آن نشده است.

مگر باید توجه داشت که دختران معمولاً از تعلیم باز میمانند و از آنها به حیث نیروی کار رایگان در خانه های خود شان استفاده به عمل میآید. زیرا در جوامع مثل افغانستان عقیده برین است که بهترین مکان برای دختران و برای کار دختران خانه است.

تازه ترین کنوانسیون سازمان بین المللی کار تاکید مشخصی را در رابطه به ثقلت کاردختران در فامیل ارائه نموده است و از دولت ها میخواهد تا این موضوع را به دقت بیشتر تحلیل نمایند.

چنانچه مبینیم اثرات کار دختران در فامیل و بیرون فامیل روی دسترسی آنها به تعلیم و تربیه بیشتر از پسران تاثیر گذار بوده است. از نتایج تحقیق بر میآید که فیصدی دختران کارگر که به مکتب میروند به مراتب کمتر از فیصدی پسران کارگر است که به مکتب میروند که این موضوع میتواند دختران کارگر را بیشتر آسیب پذیر بسازد.

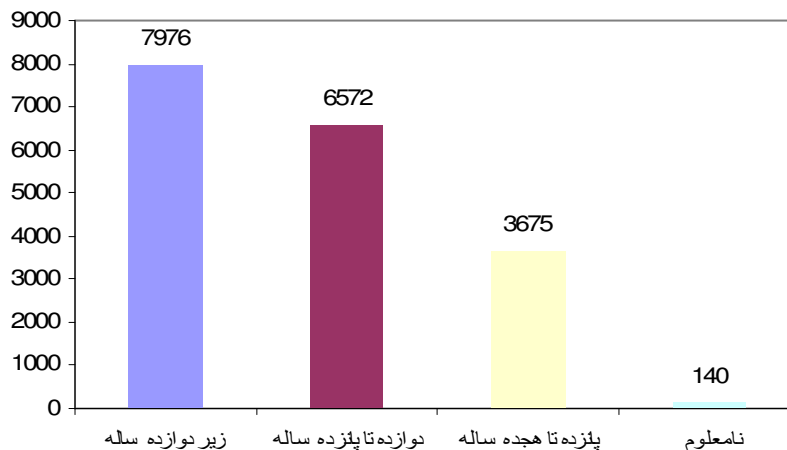
### د- سن و اشتغال

به اساس نتایج تحقیقات انجام شده سن اطفال مشغول به کار در افغانستان به صورت اوسط از ۶ سال آغاز و الی ۱۸ سال دوام دارد اما در قضایای این سن حتی به ۵ و ۴ سال نیز تنزیل یافته است.

**"پسر هشتم که ۱۲ سال دارم و از زمان که ۵ سال داشتم در راه تورخم گندی مکینم (اموال مسافرین را از سرحد تورخم به ان طرف مرز انتقال میدهم) که هر روز به خاطر بدست آوردن پول چدین بار رموردت کوب از طرف عساکر پاکستانی فرارمیکرم اما به خاطری که پدرندارم مجبوراستم کارکنم و شب ها در هوتل ها میخوابم برای اینکه درهوتل بخوابم هم پول میپردازم و هم برای شان کار میکنم و این کار به یک قاعده دراین جا تبدیل شده و فعلاکه روز های عید قربان است به خانه ما که در وزیري ولایت ننگرهارمیا شد آمده ام تا عید را با فامیل سپری کنم و هم پولی را که برای مصارف خانه ما آورده ام به مادرم بدهم ."**

یکی از خاطره های بسیار تلخ است برای شما قصه میکنم وقیکه زمان طابان بود پدرم در اثر دشمنی های فامیلی از طرف پسر کاکا یش شهید گردید . من بعد از روز هفتم شهید شدن پدرم به همراه یکی از خویشاوندان ما برای کاربه سرحد تورخم رفتم و در اولین روز چون من مسلکی نبودم از وارخطاطی هوش پرک بودم که ناگهان یک ضربه شدید را در پشت گردن و شانیه های خود حس کردم و سرگیج شدم وقتی که به هوش امدم میگفتند که جیب فلان کس را کیسه بری کرده .خوب لت اش کنید و پول ها را از پیش اش بگیرید و یک طاب با لای سرم ایستاده و میگفت دست اش را قطع میکنم که از این خوردی دزدی میکند و من گریه میکردم و هر چه میگفتم من این کار را نکرده ام کسی قبول نمیکرد تا با لآخره یکی از دوکاندرا های که پدرم را میشناخت تضمین کرد و من رها شدم ."

تعداد اطفال مصاحبه شو نده به حساب عمر



طوری که در خاطرات این پسرک می بینیم اطفال که از سن بسیار خورد مصروف کار اند بر علاوه اینکه این کار ضربات جبران ناپذیری را بر روان و جسم آنها به بار می آورد؛ به شکل بسیار شدید تحت فشار های روانی نیز قرار می گیرند. انتقال بار برای یک طفل ۷ ساله تا چي حد میتواند ممکن باشد و تا چي حد میتواند در موازنه با استندرد های بشری قرار داشته باشد.

چنانچه بر اساس کنونسیون سازمان بین المللی کار در ارتباط به سن کار اطفال چنین می خوانیم: فعالیت های اقتصادی اطفال که اثرات منفی روی صحت و رشد آنها وارد نکند و مانع در کسب تعلیم و تربیه وی به حساب نیاید میتواند بعد از سن ۱۲ ساله در نظر گرفته شود. اما هر نوع فعالیت اقتصادی اطفال در تحت سن ۱۲، فعالیت ها و کار های خطر ناک در بین سنین ۱۲ و ۱۴ و اشتغال به بدترین اشکال کار<sup>۳</sup> در هر مرحله تحت ۱۸ سال برای اطفال با توجه به معیار های ذکر شده فوق ممنوع میباشد.

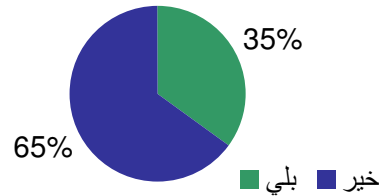
بنآ در رابطه به منع و جواز کار اطفال، سن از جمله موضوعات تعیین کننده و اساسی میباشد.

از جهت دیگر می بینیم که گراف ارائه شده نشان میدهد که بر خلاف استندرد ها و آنچه تا کنون تذکر به عمل آمد بیشترین تعداد اطفالی که با آنها مصاحبه صورت گرفته است در تحت ۱۲ سال قرار داند که بر اساس استندرد های جهانی کار هر نوع اشتغال آنها به کار ممنوع شناخته شده است.

### د- دسترسی اطفال کارگر به تعلیم و تربیه:

۳. بدترین اشکال کار در بر گیرنده کار اطفال به حیث برده، کار اجباری، کار در فعالیت های منافی اخلاق، قاچاق، اجبار در انجام فعالیت های غیر قانونی و کار های که خطر حیاتی را در قبال داشته باشد میباشد.

آیا به مکتب میروید؟



بر اساس کنوانسیون حقوق طفل تمام اطفال حق دارند تا در برابر فعالیت های که دسترسی آنها را به تعلیم و تربیه ناممکن و یا محدود میسازد؛ محافظت شوند. اطفال کارگر یکی از عظیم ترین کتگوری های اطفال اند که از این حق محروم اند. به اساس نتایج تحقیق ما با اینکه ۳۵ فیصد اطفال به مکتب میروند اما کیفیت تعلیمی آنها خیلی ضعیف است. زیرا اول اینکه آنها نمیتوانند

حاضری مکتب را به طور نورمال تعقیب نمایند برعلاوه به اثر خستگی نمیتوانند روی دروس خود بیشتر تعمق نمایند و همچنان فرصت لازم برای اجرای کارخانگی را نیز ندارند.

با اینکه این راپور روی کیفیت درسی این دسته اطفال کار نکرده است؛ اما به صورت عینی میتوان گفت که با توجه به اوسط ساعات کار اطفال که در فوق از آن تذکر به عمل آمد؛ (تقریباً ۱۰ الی ۱۲ ساعت) بسیار مشکل به نظر میرسد که این اطفال بتوانند حاضری دوامدار و منظم داشته و بر علاوه بتوانند به صورت کیفی در انکشاف سطح تعلیمات خود دست بیابند. خستگی کار درازمدت روزانه باعث میشود که آنها نتوانند بهره لازم را کسب نمایند زیرا یا روز های متوالی از درس غیابت دارند و یا هم در صنف خسته و خواب آلود بوده توان جذب دروس را ندارند. که در نتیجه کیفیت درسی این اطفال پایان آمده بیشترین رقم شاگردانی که نمیتوانند به صنف بالاتر ارتقا نمایند از میان اطفال کارگر میباشد. چنانچه تعدادی از معلمین لیسه های شهر کابل در رابطه به کیفیت درسی اطفال کارگر چنین گفتند:

" شاگردان درایام زمستان از ۶ الی ۷ الی ۶ شام کار میکردند؛ درروز های شروع شدن مکتب پروگرام کار اطفال در دستگاه های قالبین بافی، حلبی سازی، نجاری و سایر کارها تغییر خورده است. یکتعداد زیاد این اطفال به خاطر دوام کار شان غیرحاضری مینمایند برعلاوه شاگردان نمیتوانند کار های خانگی شان را به وقت معین انجام دهند که در نتیجه مورد خشونت استادان قرارمیگیرند و از درس های مکتب دل سرد میشوند. اما یکتعداد از شاگردان در پهلوی اینکه کارمیکند درس میخوانند و از جمله شاگردان لایق مکتب به شمار میروند. به همین ترتیب تعداد بیشتری از شاگردان که کار میکنند درهراس اند که کارفرمایان در نصف روز که آنها به مکتب میانند ناراضی هستند و بسیار مزد کم برای اطفال میدهند وهمچنان برای اطفال از طرف کارفرما گوش زد شده که به عوض آنها افراد دیگری را به کار استخدام خواهند کرد"

برعلاوه معلمین ابراز داشتند که اطفالیکه در سنین کم تر از ۱۵ سال قرار دارند نظر به فشار کار بیشتر غیر حاضری مینمایند. بیشتر این شاگردان در امتحانات مشروط ویا نا کام میمانند.

که این موضوع به نوبه خود آنها را در معرض کابیشتر، کاهش اعتماد به نفس و آینده تاریک مواجه میسازد.

با اینکه قانون اساسی افغانستان تعلیمات اجباری و رایگان را الی دوره متوسطه تضمین نموده اما در عمل این قانون هیچ نوع اثر اجرایی بالای عده بیشمار اطفال کارگر که حتی نمیتوانند دوره ابتداییه را تکمیل نمایند به جا نمیگذارد.

به همین ترتیب با اینکه رایگان بودن تعلیم و تربیه در افغانستان از نکات بسیار مثبت به شمار میرود اما اطفال برای تامین مصارف ضمنی تعلیم و تربیه مانند یونیفورم، قرطاسیه، کرایه موتر و امثال آن توانایی لازم ندارند.

"احمد فرید که در قسمت های مربوط به ده افغانان کار میکند مجبور است برای آمدن به محل کار خود از خانه که در چهارقلعه موقعیت دارد از سرویس های شهری استفاده کند. بر علاوه او برای رفتن به مکتب و برگشتن به محل کار و دوباره رفتن به خانه در روز چهار مرتبه باید کرایه موتر را بپردازد. که این رقم به طور تقریبی ۲۰ افغانی (۰,۲) دالر میشود. بر علاوه او باید برای تهیه قرطاسیه مکتب مثل قلم و کتابچه، لباس و سایر ضروریات مکتب پول داشته باشد. (فرید) میگوید که روز های که به اندازه کافی کار نمیباشد او نمیتواند پول ترانسپورت را تهیه نماید و در نتیجه از رفتن به مکتب باز میماند."

میبینیم که تعداد زیاد از اطفال کار میکنند تا بتوانند مصارف مکتب خود را تامین نمایند؛ که این خود موضوع قابل تعمق میباشد. از آنچه در فوق در رابطه به (احمد فرید) خواندیم میبینیم که اوسط مصارف یکساله برای یک متعلم ۱۵۰ - ۲۰۰ دالر (۷ الی ۱۰ هزار افغانی) میباشد در حالیکه عاید سالانه یک مامور دولت (اکثر اطفال کارگر والدین شان بیکار اند) از ۶۰۰ - ۷۰۰ دالر تجاوز نمیکند. بر علاوه باید توجه داشت که کثرت اطفال در فامیل ها نشان میدهد که به صورت اوسط هر فامیل ۲ - ۵ طفل واجد شرایط مکتب دارد که با توجه به این ارقام تامین مصارف تعلیم و تربیه اطفال در توان والدین حتی آنانیکه دارای وظایف دولتی اند بیرون است. در بین میان باید بر علاوه توجه داشت که عنعنات و رسم و رواج های موجود در کشور در بسیاری حالات به زنان خانه اجازه اشتغال بیرون از منزل را نمیدهد و از این جهت این تنها پدر فامیل است که به حیث نان آور فامیل شناخته شده است. و در صورت ناتوانی پدر برای تامین مصارف فامیل و یا فوت پدر اطفال به طور اتومات به کار کشانده میشوند.

"طفلی هستم که ۶ سال دارم و با برادرم که ۸ ساله است در دوکان تیل فروشی واقع قلعه زمان خان کار میکنم. مادرم تصمیم ندارد که ما را به مکتب روان کند که بعد از مرگ پدرم ما دو برادر مسولیت خانه را به دوش داریم و از ۶ صبح الی ۸ شب در دوکان میا شیم با بوی تند و زننده تیل بطرول عادت کرده ایم و هر شب که بخانه میرویم باز هم احساس میکنم در دوکان تیل فروشی استیم بخاطری که شب ها در خواب میبینم که یک درپور پتکه میکند که زود باش که نا وقت میشود تیل در موتر بیانداز، چرا تال میتی گمشو، ویا کلینر موتر دیگر چیغ میزند که زورگرفتن بوشکه های تیل را نداری بد میکنی که کار میکنی. و هم بسیا ر دشنام ها که از گفتن ان می شرمم"

و یا در قضیه دیگر:

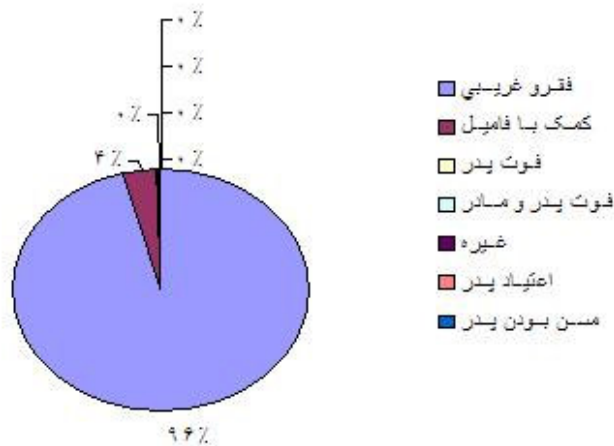
"پسری هستم ۱۰ سال دارم و مصروف کار دهقانی با پدرم میا شم و چون پدرم مرض روما تیزم دارد و برای ساعت های نمیتواند کار کند من با او کمک میکنم با کار دهقانی عادت کرده ام و انقدر مشکل هم نیست قبل از این کار در داش خشت مالی کار میکردم و بسیار خسته میشدم از رفتن به مکتب باز مانده ام و در آینده هم به کار دهقانی ادامه خواهم داد تا خود و فامیل را از این مدرک اعاشه نمایم یکنه مشکلی که دارم به تکلیف قلبی مبتلا شده ام که داکتر این مشکل را از تاثیر که وزن های گرانگ را با لا نموده ام.

" پسری هستم که ۱۴ سال دارم و در یک خانه مصروف صابون سازی استم از زمانیکه طفل بسیار خورد سال بودم شروع به کارکردن نموده ام و چون طفل بزرگ فامیل میبا شم تمام مسولیت فامیل مادر، خواهران و برادرانم را به دوش دارم از کار کردنم خود شکایتی ندارم اما از خدای که مرا به دنیا آورده گله دارم که هم سن و سال من به مکتب میروند اما من از درس خواندن محروم ماندم و مانند هم سن و سال خود از نعمت داشت پدر و سواد بی بهره استم."

#### ۵ - چرا اطفال کار میکنند؟

نتایج تحقیق نشان میدهد که برای کار اطفال عوامل و دلایل مختلف وجود دارد که اهم آنها قرار ذیل است:

فیصدی دلیل کار اطفال



در مجموع اطفال کار میکنند زیرا فضای اطراف آنها و آنهایی که در حفاظت از اطفال مسول اند در محافظت از آنها ناکام مانده اند. تحقیقات ما نشان میدهد که عده زیادی از اطفال کارگر (۹۶٪) آنها دلیل کار کردن شان را فقر و مجبوری عنوان کرده اند اما بر علاوه در پیمانہ کوچکتر اما قابل تعمق دلایلی دیگری هم در رابطه میتواند وجود داشته باشد؛ که آنها را بر میشماریم.

۱- مشکلات اقتصادی عامل اساسی دیگری در افزایش کار اطفال بوده است، زیرا بر اساس راپور (راپور بررسی حقوق اقتصادی و اجتماعی منتشره کمیسیون مستقل حقوق بشر ۲۰۰۶) (سطح درآمد ماهانه مردم به ۲۹٪) میرسد که تکافو مصارف خانواده را نمیکند.

بر اساس بررسی های که در سایر کشورها صورت گرفته است در کشور های که درآمد سالانه فامیل ها از ۵۰۰ دالر امریکایی تجاوز نمیکند؛ رقم کار اطفال به ۳۰٪ الی ۶۰٪ میرسد در حالیکه در کشور های که عاید سالانه آنها بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ دالر امریکایی است این رقم به ۱۰ الی ۲۰٪ کاهش یافته است. با توجه به این رقم بالا و توضیحات و برداشت این اطفال از فقر دلایل ذیل را میتوان به عنوان عمده ترین دلایل برای کار اطفال نام گرفت:

الف - در بسیاری حالات والدین طفل بیکار اند و قادر به پیدا کردن وظیفه نیستند؛ چنانچه تعداد از اطفال مصاحبه شده دلیل کار خود را بیکار بودن والدین شان عنوان کرده اند. واز آنجاییکه اطفال به آسانی میتوانند وارد کارشوند؛ زیرا آنها با مزد کمتر

### **استخدام میشوند و به آسانی مورد سو استفاده قرار میگیرند؛ آنها بیشتر به کار کشانده میشوند.**

ب- در بسیاری از فامیل ها اطفال نان آوران آن خانواده ها را تشکیل میدهد؛ چون در این فامیل ها پدر در اثر حوادث مختلف به شمول جنگ های دراز مدت داخلی فوت نموده و مادر با تعداد بیشتر از ۵ طفل قادر به بیرون شدن از خانه نیست و بر علاوه عنعنات و رسم و رواج ها اجازه نمیدهد برای مادر که از خانه بیرون کار نماید؛ بناً اطفال به اشتغال کشانده میشوند.

ج- عاید تعدادی زیادی از فامیل ها صرفاً به اندازه است که مصارف را تکافو میکند و اگر نان آور فامیل که عمدتاً پدر میباشد از کار بیافتد (مریض و یا فوت) طفل مجبور است که به کار رو آورد.

د- بر علاوه عاید فیصدي (از راپور تیم نظارت ساحوي) فامیل ها بر مبنای کار روزانه آنها است و هیچ نوع تضمین بر عاید دوامدار وجود ندارد؛ در اینگونه فامیل ها اگر یک روز کار نکنند برای آن شب و روز نان ندارند، که این امر نیز به گسترش کار اطفال موثر بوده است.

ه - حد اقل ۱۴ طفلي که با آنها مصاحبه صورت گرفت به خاطر اینکه پدر شان معتاد به مواد مخدر بوده و عاید فامیل را برای تهیه مواد مخدر به مصرف میرسانند مجبور اند کار نمایند.

۲- بعضی از فامیل ها به این عقیده اند که کار برای اطفال نه تنها اینکه مضر نیست بلکه میتواند آنها را در زندگی آینده شان کمک نماید؛ بناً اطفال شان را از سنین بسیار پایان به اشتغال مجبور میسازند.

۳- امکان دارد اطفال به خاطر فقر دست به کار بزنند اما این هم امکان دارد که آنها به کار کشانده شوند. استخدام کنندگان اکثراً ترجیح میدهند تا اطفال را به کار استخدام نمایند؛ زیرا کار آنها ارزان و اداره آنها برای صاحب کار آسان است.

با اینکه عوامل مختلف میتواند در کار کردن اطفال موثر باشد اما در نهایت تمام این عوامل بر میگردد به مشکل اساسی فقر و عدم دسترسی به تعلیم و تربیه، که اگر تأمینات اجتماعی برای مردم ارتقا پیدا نموده عملی گردد و بر علاوه زمینه های دسترسی یکسان به تعلیم و تربیه با مفهوم گسترش پیدا کند به صورت اتومات میتواند ارقام اطفال کارگر را کاهش دهد.

تعلیم و تربیه به عنوان کلید اساسی برای جلوگیری از فقر و هم گسترش اشتغال برای زنان نیز میتواند در جلوگیری از کار اطفال موثر باشد.

### **اثرات کار بالای اطفال**

اطفالی که برای ساعات متوالی مصروف کار اند فرصت های مهم دسترسی به تعلیم و تربیه را که میتواند آنها را با دانش و مهارت مجهز نماید، به آنها اعتماد به نفس ببخشد و آنها را برای سهمگیری موثر در حیات اقتصادی و اجتماعی آینده آماده نماید؛ از دست میدهند. در حالات بدتر این اطفال به کار های اشتغال میورزند که امکان دارد آنها را به صدمات همیشگی و جبران ناپذیر فیزیکی، روانی و صحتی مواجه نماید.

همه ما موافق هستیم که اطفال نباید به کار های خطرناک مثل کار در مزارع خشخاش، جمع آوری زباله ها و امثال آن در تحت هر سن و سالی مشغول باشند، بر علاوه دسته از کار های هم وجود دارد که امکان دارد یک طفل ۱۶ ساله به خوبی و بدون خطر آنها را انجام دهد در حالیکه برای یک طفل ۱۰ یا ۸ ساله شاید بسیار خطرناک ثابت شود.

در نتایج تحقیقات میبینیم که اطفال خوردتر از ده سال به کارهای ثقیل مثل ترمیم موتور، فلزکاری و امثال آن برای ساعات طولانی ۸ - ۱۰ ساعت در روز مصروف اند که خود قابل تشویش است.

## اثرات موجودیت اطفال کارگر در کوتاه مدت

امر مسلم است که کار اطفال در کوتاه مدت نیز عواقب مخربی را به بار خواهد آورد. باینکه بسیار مشکل است به ارقام و معلومات مشخصی درین مورد دست یافت ولی اثرات مستقیم کار اطفال را در ساحات ذیل میتوان مشاهده نمود:

### ۱ ازدیاد در تعداد اطفال در تخلف با قوانین

چنانچه قبلاً تذکر به عمل آمد؛ کار برای اطفال که در فضای مصون و تحت نظر افراد مسول و بلاخره بر اساس نورم ها و استندرد های قبول شده نباشد، میتواند آنان را به پرتگاه فساد بکشاند و آنها را در تخلف با قوانین قرار دهد؛ چنانچه در ذیل میخوانیم:

"دختری هستم که ۱۷ سال دارم و از ۶ سالگی در کارگاه قالین بافی کار میکنم و قتیکه پدرم فوت نمود یگانه نان آور خانه من بودم و چون پولی را که من میاوردم برای ما کفایت نمیکرد مادرم با وجود اینکه طفل شیرخوار داشت کار لا شویی میکرد

من از طرف اسنادم که ما را با فتن قالین را میا موختاند چندین بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفتم و به پاکستان انتقال داده شدم اما خودم نمیفهمیدم تا بعد از یکسال اعمال نا حایز که با لای من از طرف چندین شخص صورت میگرفت مرا دوباره به کابل آوردند و در راه دستگیر شدیم و مرا به محبس انا تیه ولایت کابل آوردند و نمیدانم که این سرنوشت نا معلوم مرا به کجا خواهد کشاند "

### ۲ گسترش اعتیاد به مواد مخدر:

برعلاوه کار اطفال در تحت شرایط یاد شده آنها را میتواند به خطر اعتیاد به مواد مخدر مواجه سازد. بسیار اند اطفالی که در مناطق مرزی و هم در داخل شهرها در نتیجه اشتغال در انتقال مواد مخدر و یا هم در اثر همنشینین با افراد معتاد؛ به اعتیاد کشانده شده اند. اطفالیکه در لابراتوا های تبدیل تریاک به هیروئین، نشتر زدن غوزه های کوکنار، نصور سازی ها کار میکنند، زود معتاد میگرددند

### ۳ گسترش زمینه ها برای سو استفاده از اطفال:

کار اطفال همچنان میتواند آنان را در معرض سو استفاده قرار دهد؛ که این سو استفاده میتواند مادی و یا جنسی باشد. در هر دو صورت طفل که در موقعیت آسیب پذیری قرار دارد نظر به اینکه توانایی دفاع از خود را نداشته و بر علاوه آگاهی لازم را در اختیار ندارد میتواند به آسانی مورد سو استفاده قرار گیرد. کار اطفال در جاده های شهر تا نیمه شبان، استخدام برای تگدی و امثال آن از جمله کار های است که زمینه بیشتر سو استفاده از اطفال را مساعد میسازد.

با ملاحظه آنچه ذکر گردید وضعیت اطفال در محلات کار مثل فابریکه های کوچک، مراکز قالین بافی و امثال آن تکان دهنده و خراب میباشد. اطفال در اتاقهای کوچک نمناک و مرطوب به شکل دسته جمعی مصروف کار میباشند که در نتیجه زمینه ارتکاب جرایم مساعد گردیده و

شب های رخصتی اطفال با آوردن ویدیوکست ها به تماشای فلم های غیر اخلاقی میپردازند و همچنان در چنین شب ها به استفاده از مواد مخدر، سگرت و قمار و دیگر مفاسد اخلاقی دست میزنند.

#### ۵ ایجاد مشکلات صحتی و روانی برای اطفال:

"دختری هستم که از سن ۷ سالگی در کارگاه قالین با من کار میکنم و فعلاً ۱۷ سال دارم و از همان طفولیت از صبح تا شام قالین می بافتم تا مصارف خانه را پوره نمایم و چون طفل بودم تا نا وقت ها کار میکردم و به خاطر که پول زیاد بدست میاورم از طرف شب در خانه قالین می بافتم و با خره در سن ۱۶ سالگی به تکلیف عصاب دچار شدم و فعلاً بسیار عصبی هستم کسی که با من گپ میزند بی اختیار گریه میکنم و در این اواخر مرا به قاچاق و اختطاف اطفال دستگیر کردند و به مرکز اصلاح وتر بیت اطفال بسر میبرم."

مثال فوق نشاندهنده اثرات روانی کارهای ثقیل و طاقت فرسا برای اطفال میباشد

### اثرات موجودیت اطفال کارگر در درازمدت

اثرات وجود روبه افزایش اطفال کارگر امروز زیاد محسوس نیست، با اینکه هرکدام ما در هرکجا به این اطفال بر میخوریم اما در مورد بسیار جدي فکر نمیکنیم؛ اطفال به حیث کارگران کوچک که با مزد کم و تحت هر نوع شرایط حاضر به کار اند میتوانند در دراز مدت برای کشور ما و جهان خطرناک ثابت شوند.

بر اساس پیشبینی های که توسط کارشناسان صورت گرفته است "الی ۲۰۲۰ به تعداد ۷۳۰ میلیون طفل کارگر دیگر به دنیای کارگران خواهند پیوست؛ بر علاوه اینکه تعداد بیشماري از بزرگسالان و یا نسل بشر در آن زمان نیز طفولیت خود را به حیث یک طفل کارگر پشت سر گذاشته اند که باعث میگردد آنها، مریض، و مهمتر از آن بیسواد باشند. بسیاری از اطفال کارگر امروزي بر اثر فشار کار و اثرات کار شاید پیشتر از رسیدن به سن ۱۸ درگذشته باشند". به این ترتیب افغانستان نیز به حیث کشوري که تعداد قابل توجه اطفال کارگر را دارد از این مشکل در امان نخواهد ماند. این موضوع اقتصاد و اجتماع کشور را در درازمدت به صورت منفي تحت تاثیر قرار خواهد داد؛ زیرا پست ها و وظایف حساس که به تحصیلات ضرورت دارند بازهم به دست افراد که فاقد مهارت های لازم اند قرار خواهد گرفت. بناً با اینکه اثرات وجود اطفال کارگر امروز در جامعه ما محسوس نیست اما در دراز مدت این مشکل میتواند موانع جدي را در رشد و انکشاف اقتصادي و اجتماعي کشور به بار آورد. و این دلیل میتواند کافي باشد برای اینکه ما امروز باید قدم های اساسي را در جهت محو افزایش اطفال کارگر بگذاریم.

### عکس العمل اجتماع در رابطه به کار اطفال

در جریان تحقیق کوشش به عمل آمد تا نبض عمومي جامعه را در رابطه به کار اطفال نیز دریابیم که با توجه با طرز دید مردم از کار اطفال و نحوه برخورد شان بتوانیم برنامه های پیشترتي را برای ریشه یابی مشکلات، دریافت عوامل کار اطفال و دریافت راه های حل درینمورد شناسایی نماییم. البته مصاحبه کنندگان به صورت تصادفي از بین مردم انتخاب شده اند و معیار مشخص در مورد به کار برده نشده است.

درین برنامه که اضافه تر از ۵۰۰ تن سهم گرفتند کوشش به عمل آمد تا با طرح حالت های مختلف کار اطفال ( از نظر ثقلت، ساعات کار و فضای کار نظر خواهی نماییم. طوریکه در طی سه قضیه سه حالت مختلف کار را تمثیل نمودیم.

خوشبختانه اکثریت قاطع از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته اند یعنی ۴۵۳ تن آنان؛ کار اطفال و موجودیت روز افزون اطفال کارگر را یک مشکل حاد اجتماعي و حقوق بشري برای افغانستان میدانند و بر علاوه ۴۳۱ تن آنان اطفال کارگر را از جمله اطفال در معرض خطر میدانند.

این موضوع نشاندهنده این واقعیت است که ذهنیت عامه در افغانستان کار اطفال را تایید نمیکند و بر علاوه مردم ما از این جهت نگران نیز هستند. استفاده از ذهنیت عمومي در رابطه به منع کار اطفال میتواند هرنوع اقدام دولت را مبني بر جلوگیری از کار اطفال تقویت نماید.

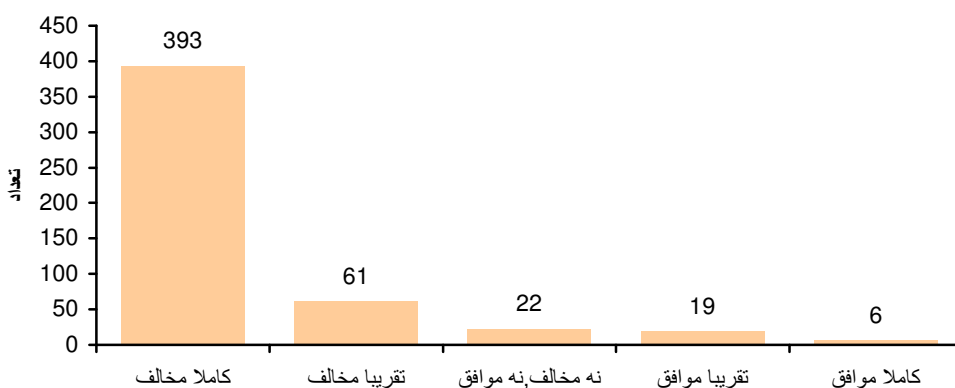
به همین ترتیب در نتیجه مصاحبه های اختصاصی تر شرایط عام کاری که در طی تحقیق از زبان خود اطفال بیان گردیده بود به نظر خواهی عامه گذاشته شد که نتیجه ذیلآ بیان میگردد:

۱- بر اساس نتایج مصاحبه ها با اطفال در رابطه به شرایط کاری آنها؛ عده از اطفال کارگر که در سنین ۱۰ سال و بالاتر از آن قرار دارند، معمولاً به کار در خانه هاو یا دکان ها و سایر محلات میپردازند؛ این تعداد از اطفال دسترسی به تعلیم و تربیه به شکل ضمنی دارند و محیط کارشان نسبتاً سالم است و در ضمن کار شان زمینه دسترسی آنان را به آموختن حرفه فراهم میکند. درین رابطه اکثر هموطنان ما شرایط کار این دسته از اطفال را با توجه به وضعیت کنونی کشور که کار اطفال را ناگزیر ساخته است قسماً قابل قبول دانسته اند چنانچه :

۱۵۹ تن از مصاحبه شوندهگان تقریباً و ۱۳۸ تن کاملاً کار اطفال را در تحت همچو شرایط قابل قبول فکر میکنند. در حالیکه ۱۰۴ تن با آن کاملاً مخالف بوده و ۵۵ تن تقریباً مخالف میباشند. در نتیجه میتوان گفت که کار برای اطفال در سن ۱۰ ساله با تضمین اینکه حق تعلیم و تربیه و تفریح طفل رعایت گردد و طفل در فضای مصون کار کند برای اکثریت از مصاحبه شوندهگان قابل قبول بوده است.

۲- تعدادی دیگری از اطفال کارگر در افغانستان که در عین کتگوری سنی قرار دارند؛ برای پرداخت قروض والدین شان به کار گماشته شده اند؛ بر علاوه این دسته به کار های طاقت فرسا مثل قالین بافی مصروف اند. این دسته از اطفال کارگر آنطوریکه در متن راپور نیز تذکر یافته برای ساعات طولانی کار میکنند، فرصت برای تفریح ندارند و همچنان از اثر فضای آلوده

سوال (الف) ۲ از نظر شما این وضعیت برای اسد تا چي حد قابل قبول است؟

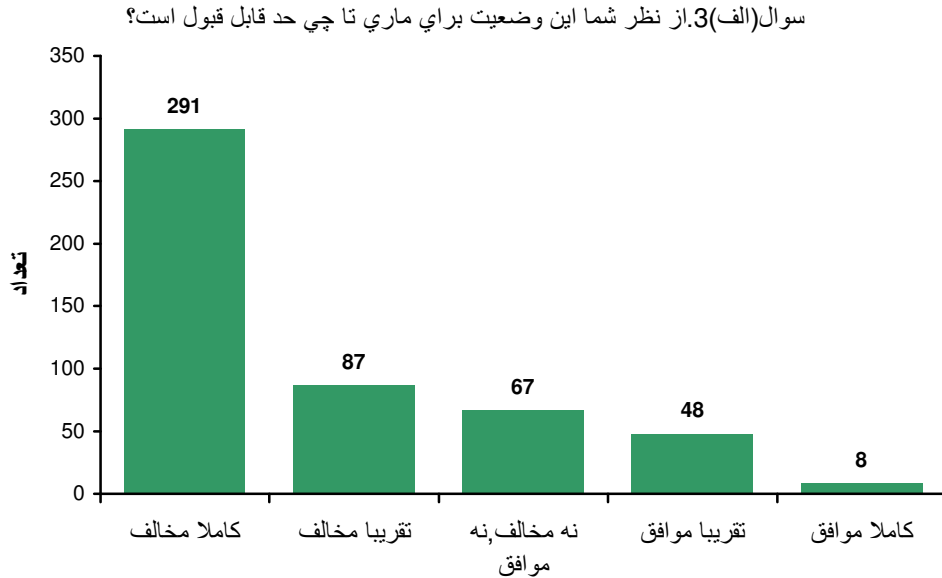


به انواع امراض تنفسی مواجه اند.

درینمورد حدود ۳۹۳ تن یعنی (۷۸,۲)٪ از مصاحبه شوندهگان ما به کار طفل در چنین شرایطی کاملاً مخالف و ۶۱ تن تقریباً مخالف بوده اند که این خود نشان میدهد که کار اطفال در تحت شرایط غیر مصون و به شکل بهره برداری حتی اگر سن طفل بلند تر هم باشد در ذهنیت عامه قابل قبول نیست.

۳- تعدادی بیشماري از اطفال که با آنها مصاحبه صورت گرفت شامل دختران و پسرانی اند که حتی تحت ۱۰ سال قرار دارند، برای تامین مصارف غذایی خود و فامیل خود مصروف کار اند،

برای ساعات متوالی در جاده ها به فروش اجناس مختلف و یا دود کردن اسپند میپردازند؛ این دسته از اطفال با اینکه به مکتب میروند اما کیفیت حاضری شان پایین است و بر علاوه والدین اکثریت شان حیات است اما نسبت کمی عواید نمیتوانند مصارف فامیل های شان را تکافو نمایند.

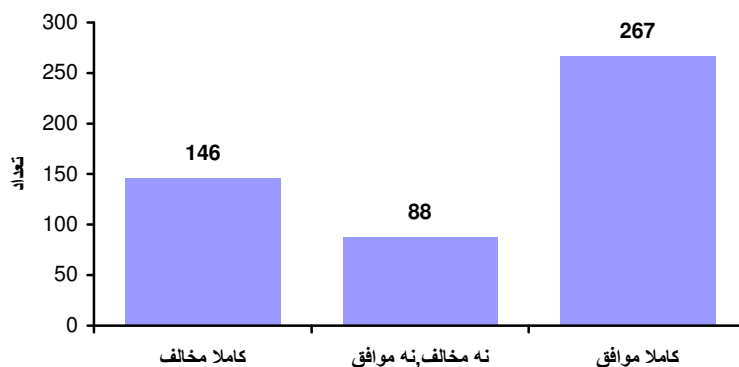


درین قضیه بازهم اکثر از مصاحبه شوندهگان ما به شرایط کار این دسته از اطفال مخالف اند؛ چنانچه ۲۹۱ تن که اضافه تر از ۵۰٪ مصاحبه شوندهگان را تشکیل میدهد شرایط ذکر شده کار در قضیه سوم را برای اطفال مصون ندانسته آنان را در معرض خطر میدانند.

بر علاوه یک سلسله سولات عمومی نیز در رابطه به وضعیت کار اطفال در کشور نیز از مصاحبه شوندهگان مطرح شده بود که در ذیل مرور میگردد:

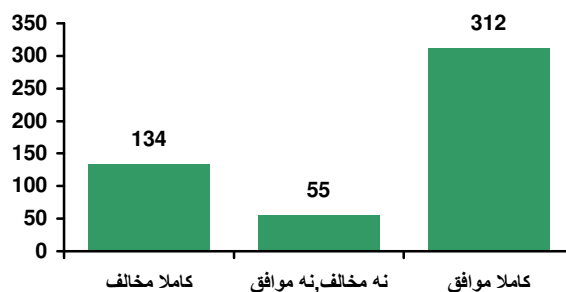
#### کار طفل و حق دسترسی وی به تعلیم و تربیه

درینمورد عده زیادی به این عقیده اند که با درنظر داشت شرایط کنونی افغانستان هر گاه کار طفل مسیر عادی تعلیم و تربیه او را مختل نسازد؛ کار طفل میتواند تا حدی قابل قبول باشد؛ چنانچه از جمله ۵۰۱ تن مصاحبه شونده ۲۶۷ تن آنان به این موضوع نظر موافق داشته اند.



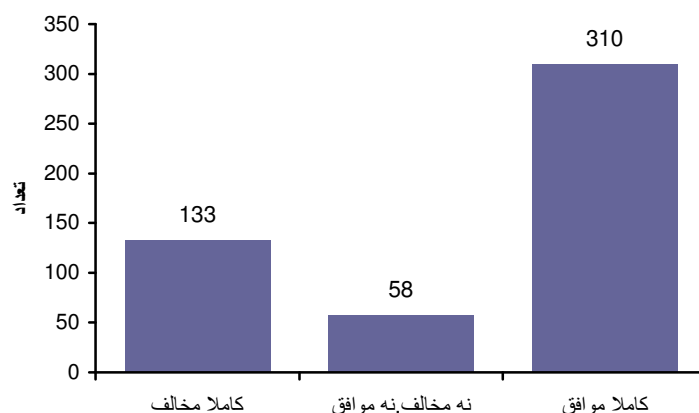
### کار اطفال در شرایط ناگذیری

به همین ترتیب کار اطفال در شرایط ناگذیری که طفل محروم از دسترسی به نیازمندی های اولیه خود میباشد و برای بقا و ادامه حیات کار میکند؛ نیز مورد سوال قرار گرفت که در ینمورد بازهم اکثریت از اشتراک کنندگان این سروی یعنی حدود ۳۱۲ تن آنان به آن نظر موافق داشته اند.



### کار اطفال در شرایط سالم

اکثریت از مصاحبه شوندگان ما با کار اطفال در شرایطی که طفل حق دسترسی به تفریح و وقت فراغت را داشته باشد و فضای کار او را در برابر هرگونه سو استفاده محافظت نماید؛ نظر موافق داشته اند. چنانچه از میان ۵۰۱ تن مصاحبه شونده ۳۱۰ تن آنان با این طرح موافق بوده اند.



بدین ترتیب میتوان نتیجه گیری نمود که ذهنیت عامه مردم ما در قدم اول با کار اطفال مخالف بوده و اطفال کارگر را در معرض خطر میدانند؛ اما در شرایط ناگزیری که سوال ادامه حیات مطرح است و نمیتوان از کار اطفال جلوگیری نمود بیشترین آرا طرفدار کار سالم، مصون و بیخطر برای اطفال میباشد؛ به خصوص کار اطفال چنانچه در اسناد بین المللی که قبلاً از آن نام برده شده صراحت دارد نباید مانع تعلیم و تربیه طفل گردیده و یا او را در معرض صدمات جسمی و روانی قرار دهد.

### پیشنهادات

چنانچه دیده شد رابطه فوق العاده مستقیم بین کار اطفال و تعلیم و تربیه وجود دارد؛ تعلیم و تربیه مجانی، اجباری و برعلاوه باکیفیت الی رسیدن به حد اقل سن برای اشتغال راه حل کلیدی برای کاهش کار اطفال محسوب میشود. اما در کشور های مثل افغانستان تحقیقات نشان داده است که بر اثر فقر بیش از حد این هم کافی نیست بلکه در جوار تعلیم و تربیه باید برنامه های متعدد دیگری هم اتخاذ گردد تا بتواند از ازدیاد اطفال کارگر جلوگیری نموده و حد اقل بهبود را در شرایط زندگی آنان به وجود آورد.

با در نظر داشت مطالب ذکر شده پیشنهادات ذیل ارائه میگردد:

تعلیم و تربیه اثرات مستقیم را بالای کار اطفال میتواند وارد نماید. چنانچه شمولیت در مکتب میتواند اطفال را از خطرات دوامدار کار در امان نگه دارد و برعلاوه زمینه را برای رشد مهارت های آنها مساعد سازد که این خود بالنوبه میتواند در دراز مدت در کاهش تعداد اطفال کارگر موثر باشد. موثریت مکتب همچنان از جهت اینکه برای اطفال آگاهی های لازم را در رابطه به خطرات مواجهه با بزرگسالان و موضوعات مانند حفاظت در برابر قاچاق، سو استفاده و امثال آن دریافت مینمایند قابل توجه میباشد. مهارت های دریافت شده در مکتب شاید بتواند اطفال را کمک نماید تا بالاتر از خط فقر حرکت نمایند و بدین ترتیب آنها را در مقابل خطرات و سو استفاده بیشتر مصون سازد. بر علاوه دسترسی به تعلیمات مخصوصاً برای دختران کمک خواهد کرد که آنها با دریافت وظایف مصون و بهتر در شکل گیری آینده اطفال شان نقش موثر بازی نمایند، دسترسی دختران به مکتب باعث کم شدن ازدواج های قبل از وقت گردیده و این خود در کاهش ولادت های پی در پی موثر میشود. تمام این عوامل به نوبه خود در دراز مدت خواهند توانست جلو افزایش اطفال کارگر را سد نمایند:

دولت باید تعلیمات اساسی را برای نوجوانانی که تعلیمات ابتدایی را تکمیل ننموده باشند طور جبری و تشدیدي از طریق بکارگیری برنامه های خاص فراهم نماید.

سکتور خصوصی که به اشتغال اطفال و نوجوانان میپردازند؛ وقت کار را باید طوری تنظیم نمایند که مکتب اختصاصی و کورس سواد آموزی کارگر را مختل نکند.

دولت باید به ایجاد مکاتب حرفوی و لیلیه ها برای اطفال و نوجوانان توجه جدی نماید

توجه جدی دولت به وضعیت اطفال کارگر مبذول گردد و برعلاوه زمینه برای این اطفال تا در پهلوی کار به مکتب نیز بروند فراهم گردد.

دولت باید توجه جدی به بلند بردن کیفیت معارف نماید تا از این طریق علاقمندی فامیل ها به تعلیم و تربیه اطفال شان گسترش یابد.

موسسات غیر دولتی و نهاد های کمک کننده باید وزارت معارف را در تهیه و ارائه برنامه های تغذی در مکتب کمک نمایند.

دولت از طریق وزارت کار و امور اجتماعی و به همکاری موسسات کمک کننده زمینه های کار را برای فامیل های اطفال کارگر مساعد گرداند.

وزرات معارف باید ستراتیژی های موثر را برای اینکه اطفال کارگر به تعلیمات ابتداییه و متوسطه دسترسی پیدا نمایند طرح و عملی نماید.

انفاذ مقرر و یا تعدیل قانون کار با گنجاندن مواد روشن و صریح در رابطه به سن اشتغال و تعریف کار اطفال (کار های سبک، کار های سنگین و کار های پرخطر) بر مبنای استندرد های ارائه شده توسط سازمان بین المللی کار

کار خوردسال مطابق توان جسمی آنها باشد.

جلب کارگر خورد سال به کار تولید مواد مخدر و سایر اشیای ممنوعه جرم دانسته شود.

اشتغال به کار های پر مخاطره برای افراد تحت سن ۱۸ لغو قرار داده شود.

از استثمار اقتصادی و کار های شاقه جلوگیری به عمل آید.

تایم کار برای اطفال کارگر معین گردد.

از استخدام به کارهایی که برای صحت و اخلاق طفل مضر است، جلوگیری به عمل آید و به مرتکبین جزای قانونی تعیین شود.

صاحبان کار باید ساعات کار را بالای اطفال در صورتیکه به کار آنان ضرورت دیده شود کم نموده و در عوض معاش اطفال را زیاد نمایند.

### **تصویب مقاوله های سازمان بین المللی کار**

نماینده گان وزارت محترم کار و امور اجتماعی تیم های سیار را جهت بازپرسی از وضعیت اطفال کارگر ایجاد نماید.

دولت باید توأمیت روشن و واضح را با موسسات و سازمان های بین المللی در رابطه به بهبود بخشیدن وضعیت اطفال کارگر به طور عملی ایجاد نماید.

کار اطفال به طوریکه درین راپور تشریح گردیده است باید توسط دولت منع قرار داده شده از طریق کشاندن اطفال کارگر به مکتب و ایجاد زمینه معیشت بدیل برای فامیل هایشان به کار اطفال خاتمه داده شود.

نهاد های جامعه مدنی، حقوق بشر و نهاد ها حمایت از اطفال باید در زمینه بالای دولت، استخدام کنندگان و فامیل ها فشار وارد نمایند تا از کار اطفال جلوگیری صورت گیرد.

ضمیمه اول

نظریات به صورت انتخابی در دیزاین راپور

این یک حقیقت است که اطفال افغانستان بعضا در وضع بدی قرار می گیرند ولی دولت باید پروگرامهای مشخصی برای آنها داشته باشد بخاطریکه اطفال نسل آینده کشور عزیزمان است . (مردی فروشنده از کابل)

من با کار نمودن اطفال ولو که با هر نوع شرایط خوب باشد مخالفم زیرا اطفال موجودات ظریف هستند همانگونه از نگاه شکل ظاهری کوچک و ظریف اند از لحاظ روانی نیز آسیب پذیر می باشند و کار نمودن قبل از وقت ممکن است صدمه روانی به آنها وارد نموده و در آینده بالای شخصیت آنها تاثیر سوء نموده و نیز باعث میگردد تا نتوانند تعلیمات خویش را آنطوری که باید تکمیل نمایند دولت مکلف است تا برای اینگونه فامیل ها شرایط مساعد زندگی را مساعد سازد. (معلم یکی از مکاتب)

اطفال آینده یک کشور است به هر قسمیکه باشد نباید کاری کنند که از درس و تعلیم بی نصیب گردند و در معرض خطر قرار بگیرند. (یکی از محصلین پوهنتون)

من با کار اطفال کاملا مخالفم (یکی از خانم های خانه)

به نظر من اصولی و حقوقی بهیچ وجه ما حق نداریم تا با کار اطفال موافقت نمایم اما متأسفانه در وضعیت کنونی کشور ما مجبوریم شاهد کار اطفال باشیم ولی در این شرایط باید حکومت ها شرایط لازم را برای اطفال آماده سازد. (یکی از مامورین دولت)

وظیفه دولت است که زمینه تعلیم و تربیه اطفال را فراهم نمایند وهم چنان وظیفه دولت است که برای پدر و مادر اطفال زمینه کار پیدا نماید که آنها بتواند اطفال خود را بطور سالم پرورش دهد. (یکی از فروشندگان)

دولت با داشتن امکانات زیاد میتواند از کار اطفال جلوگیری نماید. (یکی از جوانان)

بهره کشی از اطفال به هر نحوی که باشد درست نیست اطفال باید آموزش داده شوند حتی کار که اطفال میکند باید به شکل آموزش و به هدف آموزش صورت گیرد برای اطفال باید زمینه ها ی مثبت رشد و انکشاف وجود داشته باشد (یکی از کارمندان حقوق بشر)

اطفال بکلی مکلف نیستند که کار کنند باید حق حیات حق تعلیم و سایر حقوق آن توسط دولت و والدین برآورده شود.

از اینکه اطفال آینده سازان کشور هستند بنا مسئولین دولت باید در رابطه وظیفه اسلامی و اخلاقی خویش را به نحو احسن انجام بدهند. ( یکی از زنان در کابل)

روی تربیت اطفال از اول باید توجه جدی صورت گیرد بعضی از خانواده ها اطفال شانرا برای پول درآوردن به بیرون می فرستند و این صحیح نیست . (یکی از روحانیون در کابل)

دختران کارگر زیادتیر در خطر هستند زیرا در آینده زندگی شان در خطر است.ومورد تجاوز جنسی قرار میگیرند. (کارمند یکی از شلترها)

## ضمیمه دوم

**مقاله نامه ۱۲۸؛ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳**

کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار؛

که توسط هیأت مدیره دفتر بین المللی کار در جنیوا گرد آمده و پنجاه و هشتمین اجلاس خود را در تاریخ ۶ جون ۱۹۷۳ برگزار کرد؛

با تصمیم به تصویب پیشنهادهای مشخصی در رابطه با حداقل سن پذیرش به کار که چهارمین موضوع اجندای اجلاس را تشکیل می داد؛

با یادآوری مفاد مقاله نامه حداقل سن (صنعت) ۱۹۱۹، مقاله نامه حداقل سن (بحر) ۱۹۲۰، مقاله نامه حداقل سن (زراعت) ۱۹۲۱، مقاله نامه حداقل سن (مأموران بارچینی و سوخت) ۱۹۲۱، مقاله نامه حداقل سن (اشتغال غیرصنعتی) ۱۹۲۲، مقاله نامه حداقل سن (بحر) (اصلاح شده) ۱۹۳۶، مقاله نامه حداقل سن (صنعت) (اصلاح شده) ۱۹۳۷، مقاله نامه حداقل سن (اشتغال غیرصنعتی) (اصلاح شده) ۱۹۳۷، مقاله نامه حداقل سن (ماهیگیران) ۱۹۵۹، مقاله نامه حداقل سن (کار زیرزمینی) ۱۹۶۵؛

نظر به این که زمان آن فرا رسیده تا یک سند عمومی درباره این موضوع تهیه شود که به طور تدریجی جای اسناد موجود را که به بخشهای اقتصادی خاص محدود شده است، گرفته و کار اطفال به طور کلی لغو شود؛

**مصمم است تا این پیشنهادهای به شکل یک مقاله نامه بین المللی درآید؛**

مقاله نامه ذیل را در بیست و ششمین روز ماه جون سال یک هزار و نه صد و هفتاد و سه تصویب کرده و آن را «مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳» نامگذاری می کند:

**ماده ۱**

اعضایی که این مقاله نامه برای آنها نافذ شده، متعهد می شوند تا یک سیاست ملی را به منظور لغو کار اطفال و افزایش دوامدار حداقل سن پذیرش به کار به سطحی که رشد کامل جسمانی و روانی جوانان ممکن باشد، تعقیب نمایند.

**ماده ۲**

۱. اعضای تصویب کننده این مقاله نامه در اعلامیه ای که ضمیمه تصویب نامه خواهد شد، حداقل سن پذیرش به کار را در قلمرو خود تعیین می کنند؛ منوط به ماده های ۴-۸ این مقاله نامه، هیچ فردی پایینتر از حداقل سن به کار پذیرفته نخواهد شد.

۲. اعضای تصویب کننده این مقاله نامه متعاقباً اطلاعیه هایی را به مدیر عمومی دفتر بین المللی کار مبنی بر افزایش حداقل سنی که قبلاً تعیین شده بود، ارسال می کنند.

۳. حداقل سن تعیین شده بر اساس بند ۱ این ماده نباید کم تر از سن تکمیل تعلیم و تربیه اجباری و در هر صورت، نباید کم تر از ۱۵ سال باشد.

۴. علی رغم مفاد بند ۳ این ماده، عضوی که اقتصاد و امکانات آموزشی آنها به اندازه کافی رشد نداشته، می تواند بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود، حداقل سن کار را به طور ابتدایی ۱۴ سال تعیین نماید.

۵. اعضای که ۱۴ سالگی را بر اساس مفاد بند قبلی به حیث حداقل سن کار تعیین کرده اند، باید بیانه ای را به گزارشات خود در مورد تطبیق این مقوله نامه بر اساس ماده ۲۲ اساسنامه سازمان بین المللی کار علاوه کنند که در آن موارد ذیل اظهار گردد:

(الف) دلیل آنها برای این امر کماکان بر جای خود باقی است؛ یا

(ب) نفی حق استفاده از مفاد مربوط از یک تاریخ معین.

### ماده ۳

۱. حداقل سن پذیرش به کاری که ماهیت و شرایط انجام آن برای صحت، امنیت و اخلاقیات جوانان زیانبار می باشد، نباید کم تر از ۱۸ سال باشد.

۲. انواع کاری که بند ۱ این ماده بر آن قابل تطبیق است، باید توسط مراجع صلاحیتدار بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود، در قوانین و مقررات ملی تنظیم شود.

۳. علی رغم مفاد بند ۱ این ماده، مراجع صلاحیتدار می توانند بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود، کار را از ۱۶ سالگی مشروط به این که صحت، امنیت و اخلاقیات جوانان به طور کامل محفوظ مانده و جوانان آموزش حرفه ای کافی را در رشته های مربوط دریافت نموده اند، تجویز کنند.

### ماده ۴

۱. تا حد لازم، مراجع صلاحیتدار می توانند بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود، انواع محدودی از کار و اشتغال را که عدم انجام آن مشکلات خاص و اساسی را به بار می آورد، از دایره تطبیق این مقوله نامه مستثنی نمایند.

۲. اعضای تصویب کننده این مقوله نامه باید فهرست کارهایی را که مطابق با بند ۱ این ماده مستثنی قرار داده شده اند و دلایل آن را در اولین گزارش خود در مورد تطبیق مقوله نامه بر اساس ماده ۲۲ اساسنامه سازمان بین المللی کار تشریح نمایند و باید در گزارشات بعدی، جایگاه قانون و رویه خود را در رابطه با کارهایی که مستثنی قرار داده شده اند و وسعت تطبیق این مقوله نامه را نظر به این کارها بیان کنند.

۳. کار و اشتغال مندرج در ماده ۳ این مقوله نامه نباید از دایره تطبیق مقوله نامه در مطابقت با این ماده مستثنی قرار داده شود.

**ماده ۵**

۱. اعضای که اقتصاد و امکانات اداری آنها به اندازه کافی رشد نداشته، می توانند بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود، حیطه تطبیق این مقاله نامه را به طور ابتدایی مقید کنند.

۲. اعضای که از مفاد بند ۱ این ماده استفاده می کنند، باید در اعلامیه ای که ضمیمه تصویب نامه خواهد شد، انواع فعالیت اقتصادی و تعهداتی که مقاله نامه بر آنها قابل تطبیق خواهد بود را تصریح نمایند.

۳. مفاد این مقاله نامه به طور حداقل در زمینه های ذیل قابل تطبیق خواهد بود: استخراج معادن، کارخانه های تولیدی، ساخت و ساز، برق، گاز و آب، خدمات حفظ الصحة، حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات، کشت و زرع و سایر رشته های زراعت که مقاصد تجاری داشته باشد اما کارهای خانوادگی و خرد که برای مصرف محلی و بدون استخدام کارمندان انجام می شود، از این قاعده مستثنی می باشد.

۴. اعضای که حیطه تطبیق این مقاله نامه را در مطابقت با این ماده مقید کرده اند:

(الف) باید در گزارشات خود بر اساس ماده ۲۲ اساسنامه سازمان بین المللی کار، وضعیت عمومی را درباره کار و اشتغال اطفال و جوانان در فعالیتهایی که از دایره تطبیق مقاله نامه مستثنی شده اند، شرح داده و پیشرفتهای به منظور تطبیق بیشتر مفاد مقاله نامه را بیان نمایند.

(ب) می توانند در هر زمانی دایره تطبیق مقاله نامه را از طریق اطلاعیه ای عنوانی مدیر عمومی دفتر بین المللی کار گسترش دهند.

**ماده ۶**

این مقاله نامه بر کار اطفال و جوانان در مکاتب و سایر نهادهای آموزشی در زمینه تعلیم و تربیه عمومی، حرفه ای و فنی و بر کار افراد حداقل ۱۴ ساله زمانی که چنین کاری در مطابقت با شرایط تجویز شده توسط مراجع صلاحیتدار بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود انجام شود، تطبیق نمی شود و جزء جداناپذیر موارد ذیل به شمار می رود:

(الف) یک دوره آموزشی که یک مکتب یا نهاد آموزشی مسؤول آن است،

(ب) یک برنامه آموزشی عمدتاً یا کلاً در زمینه یک حرفه که توسط مراجع صلاحیتدار تأیید شده باشد؛ یا

(ج) یک برنامه رهنمایی یا آشنایی به منظور تسهیل انتخاب یک حرفه و فن.

**ماده ۷**

۱. قوانین و مقررات ملی می تواند اشتغال افراد ۱۳ تا ۱۵ سال را در کارهای سبک بر اساس شرایط ذیل تجویز نماید:

(الف) که برای صحت و رشد آنها زیانبار نباشد؛ و

(ب) به حضور آنها در مکتب، مشارکت آنها در برنامه های آشنایی حرفه ای و کارآموزی تأیید شده توسط مراجع صلاحیتدار و استفاده از این آموزشها ضرر نمی رساند.

۲. قوانین و مقررات ملی می تواند اشتغال افراد حداقل ۱۵ سال را که تعلیم و تربیه اجباری را تکمیل نکرده اند، در کارهایی تجویز نماید که با شرایط مندرج در قسمتهای (الف) و (ب) بند ۱ این ماده برابر باشد.

۳. مراجع صلاحیتدار باید فعالیتهایی را که اشتغال در آنها بر اساس بندهای ۱ و ۲ این ماده تجویز شده، تعیین و باید تعداد ساعات و شرایط این اشتغال را مشخص نمایند.

۴. علی رغم مفاد بندهای ۱ و ۲ این ماده، اعضای که از بند ۴ ماده ۲ استفاده می کنند، می توانند سنین ۱۲ و ۱۴ را جایگزین سنین ۱۳ و ۱۵ در بند ۱ و سن ۱۴ را جایگزین سن ۱۵ در بند ۲ این ماده نمایند.

### ماده ۸

۱. بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط و موجود، مراجع صلاحیتدار می توانند با صدور جوازنامه در حالات مشخص در مورد منع کار مندرج در ماده ۲ این مقاله نامه و به منظور اشتراک در کارهای هنری، استثناء قائل شوند.

۲. جوازنامه های صادر شده باید تعداد ساعات را محدود و شرایط این اشتغال را تجویز نمایند.

### ماده ۹

۱. مراجع صلاحیتدار باید کلیه تدابیر ضروری به شمول تعیین مجازاتهای مناسب را به منظور اجرای مؤثر مفاد این مقاله نامه اتخاذ کنند.

۲. قوانین و مقررات ملی و مراجع صلاحیتدار باید افرادی را که نسبت به رعایت مفاد این مقاله نامه مسؤول هستند، تعریف کنند.

۳. قوانین و مقررات ملی و مراجع صلاحیتدار باید ثبت، نگهداری و آماده نمودن معلومات توسط کارفرما را تجویز کنند؛ این معلومات باید حاوی نام، سن، تاریخ تولد و سایر دانستنیها درباره استخدام شدگان و کارگران کارفرما باشد و باید در خصوص افرادی باشد که زیر ۱۸ سال قرار دارند.

### ماده ۱۰

۱. این مقاله نامه، در مطابقت با مفاد این ماده، مقاله نامه حداقل سن (صنعت) ۱۹۱۹، مقاله نامه حداقل سن (بحر) ۱۹۲۰، مقاله نامه حداقل سن (زراعت) ۱۹۲۱، مقاله نامه حداقل سن (مأموران بارچینی و سوخت) ۱۹۲۱، مقاله نامه حداقل سن (اشتغال غیرصنعتی) ۱۹۳۲، مقاله نامه حداقل سن (بحر) (اصلاح شده) ۱۹۳۶، مقاله نامه حداقل سن (صنعت) (اصلاح شده) ۱۹۳۷، مقاله نامه حداقل سن (اشتغال غیرصنعتی) (اصلاح شده) ۱۹۳۷، مقاله نامه حداقل سن (ماهگیری) ۱۹۵۹، مقاله نامه حداقل سن (کار زیرزمینی) ۱۹۶۵ را تعدیل می کند.

۲. با انفاذ این مقاله نامه، روند تصویب مقاله نامه حداقل سن (بحر) (اصلاح شده) ۱۹۳۶، مقاله نامه حداقل سن (صنعت) (اصلاح شده) ۱۹۳۷، مقاله نامه حداقل سن (اشتغال

غیرصنعتی) (اصلاح شده) ۱۹۳۷، مقاله نامه حداقل سن (ماهگیری) ۱۹۵۹، مقاله نامه حداقل سن (کار زیرزمینی) ۱۹۶۵ خاتمه نمی یابد.

۳. روند تصویب مقاله نامه حداقل سن (صنعت) ۱۹۱۹، مقاله نامه حداقل سن (بحر) ۱۹۲۰، مقاله نامه حداقل سن (زراعت) ۱۹۲۱، مقاله نامه حداقل سن (مأموران بارچینی و سوخت) ۱۹۲۱ با رضایت کلیه طرفهای تصویب کننده این مقاله نامه و ارسال اعلامیه ای به مدیر عمومی سازمان بین المللی کار خاتمه می یابد.

۴. در صورت پذیرش مکلفیتهای مندرج در این مقاله نامه:

(الف) توسط اعضای که به مقاله نامه حداقل سن (صنعت) (اصلاح شده) ۱۹۳۷ پیوسته اند و این که حداقل سن ۱۵ سالگی در مطابقت با ماده ۲ این مقاله نامه تعیین شده است، این امر قانوناً شامل انصراف از آن مقاله نامه می شود؛

(ب) در رابطه با اشتغال غیرصنعتی همانگونه که در مقاله نامه حداقل سن (اشتغال غیرصنعتی) (اصلاح شده) ۱۹۳۲ تعریف شده، توسط اعضای که به آن مقاله نامه پیوسته اند، این امر قانوناً شامل انصراف از آن مقاله نامه می شود؛

(ج) در رابطه با اشتغال غیرصنعتی همانگونه که در مقاله نامه حداقل سن (اشتغال غیرصنعتی) (اصلاح شده) ۱۹۳۲ تعریف شده، توسط اعضای که به آن مقاله نامه پیوسته اند و این که حداقل سن ۱۵ سالگی در مطابقت با ماده ۲ این مقاله نامه تعیین شده است، این امر قانوناً شامل انصراف از آن مقاله نامه می شود؛

(د) در رابطه با اشتغال بحری، توسط اعضای که به مقاله نامه حداقل سن (بحر) (اصلاح شده) ۱۹۳۶ پیوسته اند و این که حداقل سن ۱۵ سالگی در مطابقت با ماده ۲ این مقاله نامه تعیین شده یا اعضاء تصریح نمایند که ماده ۳ این مقاله نامه بر اشتغال بحری قابل تطبیق است، این امر قانوناً شامل انصراف از آن مقاله نامه می شود؛

(ه) در رابطه با اشتغال در ماهیگیری بحری توسط اعضای که به مقاله نامه حداقل سن (بحر) (اصلاح شده) ۱۹۳۶ پیوسته اند و این که حداقل سن ۱۵ سالگی در مطابقت با ماده ۲ این مقاله نامه تعیین شده یا اعضاء تصریح نمایند که ماده ۳ این مقاله نامه بر اشتغال بحری قابل تطبیق است، این امر قانوناً شامل انصراف از آن مقاله نامه می شود؛

(ز) توسط اعضای که به مقاله نامه حداقل سن (کار زیرزمینی) ۱۹۶۵ پیوسته اند و این که حداقل سن ۱۵ سالگی در مطابقت با ماده ۲ این مقاله نامه تعیین شده یا اعضاء تصریح نمایند که آن سن بر اشتغال زیرزمینی در معادن به واسطه ماده ۲ این مقاله نامه قابل تطبیق است، این امر قانوناً شامل انصراف از آن مقاله نامه می شود؛

اگر و زمانی که این مقاله نامه نافذ گردد.

۱. پذیرش مکلفیتهای این مقاله نامه شامل موارد ذیل می شود:

(الف) انصراف از مقاله نامه حداقل سن (صنعت) ۱۹۱۹ در مطابقت با ماده ۱۲ آن؛

(ب) در رابطه با زراعت، انصراف از مقاله نامه حداقل سن (زراعت) ۱۹۲۱ در مطابقت با ماده ۹ آن؛

(ج) در رابطه با اشتغال بحری، انصراف از مقاوله نامه حداقل سن (بحر) ۱۹۲۰ در مطابقت با ماده ۱۰ آن و انصراف از مقاوله نامه حداقل سن (مأموران بارچینی و سوخت) ۱۹۲۱ در مطابقت با ماده ۱۲ آن؛ اگر و زمانی که این مقاوله نامه نافذ گردد.

#### ماده ۱۱

تصویب نامه های رسمی این مقاوله نامه به مدیر عمومی دفتر بین المللی کار جهت ثبت ارسال می گردد.

#### ماده ۱۲

۱. این مقاوله نامه بر آن دسته از اعضای سازمان بین المللی کار الزام آور خواهد بود که تصویب نامه های آنها توسط مدیر عمومی ثبت شده است.
۲. این مقاوله نامه دوازده ماه پس از تاریخ ثبت دومین تصویب نامه ها توسط مدیر عمومی، نافذ می گردد.
۳. از آن پس، این مقاوله نامه برای هر یک از اعضای دوازده ماه پس از تاریخ ثبت تصویب نامه های آنها نافذ خواهد شد.

#### ماده ۱۳

۱. اعضای تصویب کننده این مقاوله نامه پس از پایان ده سال از تاریخ انقضاء این مقاوله نامه در نوبت نخست می توانند طی اعلامیه ای که برای ثبت در دفتر مدیر عمومی دفتر بین المللی کار ارسال شده باشد، از مقاوله نامه انصراف کنند. این انصراف پس از یک سال از ثبت آن در دفتر بین المللی کار رسمیت خواهد یافت.
۲. اعضای تصویب کننده این مقاوله نامه که ظرف یک سال پس از انقضای دوره ده ساله از حق انصراف مندرج در بند پیشین این ماده استفاده نکنند، برای یک دوره ده ساله دیگر به رعایت مقررات آن ملزم خواهند بود. ولی برای نوبت بعد می توانند در پایان انقضای دوره ده ساله دیگر طبق شرایط پیشبینی شده، از این مقاوله نامه انصراف کنند.

#### ماده ۱۴

۱. مدیر عمومی دفتر بین المللی کار باید کلیه اعضای سازمان بین المللی کار را از ثبت تصویب نامه ها و انصراف نامه های اعضا که به او ارسال شده، مطلع نماید.
۲. در زمان مطلع نمودن اعضای سازمان از ثبت دومین تصویب نامه ارسال شده، مدیر عمومی توجه اعضای سازمان را به تاریخ انقضاء مقاوله نامه جلب می نماید.

#### ماده ۱۵

مدیر عمومی دفتر بین المللی کار معلومات را در رابطه با کلیه تصویب نامه ها و انصراف نامه هایی که توسط او بر اساس مفاد ماده های قبلی ثبت شده، به منشی عمومی سازمان ملل متحد مطابق با ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد ارسال می نماید.

#### ماده ۱۶

هیات مدیره دفتر بین المللی کار می تواند در هر زمانی که لازم بداند ضمن ارائه گزارشی در خصوص اجرای این مقاله نامه به کنفرانس عمومی، در خصوص تجدید نظر کلی یا جزئی در این مقاله نامه و درج آن در اجندای کنفرانس برای تصمیم گیری اقدام نماید.

#### ماده ۱۷

۱. در صورتی که کنفرانس عمومی با تجدید نظر کلی یا جزئی این مقاله نامه، مقاله نامه جدیدی را تصویب کند و در مقاله نامه جدید ترتیبات دیگری مقرر نشده باشد:  
(الف) تصویب مقاله نامه جدید توسط اعضاء قانوناً موجب انصراف از این مقاله نامه خواهد شد، علی رغم مفاد ماده ۱۳ فوق، اگر و زمانی که مقاله نامه جدید نافذ شده باشد؛  
(ب) از تاریخی که مقاله نامه جدید نافذ شود، روند تصویب این مقاله نامه توسط اعضاء خاتمه می یابد.
۲. در هر حال، این مقاله نامه به شکل و مضمون کنونی برای اعضایی که بدان ملحق شده اند و به مقاله نامه تجدید نظر شده نه پیوسته اند، همچنان نافذ و معتبر خواهد بود.

#### ماده ۱۸

متن های انگلیسی و فرانسوی این مقاله نامه هر دو از یک اعتبار برخوردار اند.

## ضمیمه سوم

**توصیه نامه ۱۴۶ توصیه نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳**

کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار؛

که توسط هیأت مدیره دفتر بین المللی کار در جنیوا گرد آمده و پنجاه و هشتمین اجلاس خود را در تاریخ ۶ جون ۱۹۷۳ برگزار کرد؛

با اذعان به این که لغو کار اطفال و افزایش دوامدار حداقل سن پذیرش به کار تنها یکی از جنبه های پیشرفت و حمایت از اطفال و جوانان محسوب می شود؛

با یادآوری مرتبط بودن این پیشرفت و حمایت با کار نظام ملل متحد؛

با تصویب مقوله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳؛

با قصد تعریف سیاستهای مشخص که در حیطه صلاحیتهای سازمان بین المللی کار قرار خواهد داشت؛

با تصمیم به تصویب پیشنهادهای مشخصی در رابطه با حداقل سن پذیرش به کار که چهارمین موضوع اجندای اجلاس را تشکیل می داد؛

توصیه نامه ذیل را در بیست و ششمین روز ماه جون سال یک هزار و نه صد و هفتاد و سه تصویب کرده و آن را «توصیه نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳» نامگذاری می کند:

**اول. سیاست ملی**

۱. به منظور تضمین موفقیت سیاست ملی مندرج در ماده ۱ مقوله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳، باید به برنامه ریزی و رفع ضرورتهای اطفال و جوانان در سیاستها و برنامه های توسعه ملی و گسترش دوامدار اقدامات ذیربط به منظور فراهم آوری بهترین شرایط رشد جسمی و روحی اطفال و جوانان اولویت داده شود.

۲. در این ارتباط، باید به عرصه های ذیل توجه ویژه ای صورت گیرد:

(الف) تعهد ملی و قوی نسبت به اشتغال کامل در مطابقت با مقوله نامه و توصیه نامه سیاست اشتغال ۱۹۶۴ و اتخاذ تدابیر به منظور ترویج توسعه اشتغال گرا در مناطق روستایی و شهری؛

(ب) گسترش دوامدار سایر اقدامات اقتصادی و اجتماعی به منظور کاهش فقر و تأمین معیشت و درآمد خانوادگی تا زمینه توسل خانواده ها به فعالیت اقتصادی اطفال از بین برود؛

(ج) توسعه و گسترش دوامدار و غیرتبعیض آمیز تدابیر امنیت اجتماعی و رفاه خانوادگی به منظور تضمین معیشت اطفال به شمول کمک هزینه ها برای اطفال؛

(د) توسعه و گسترش دوامدار امکانات کافی برای تعلیم و تربیه، آشنایی حرفه ای و کارآموزی اطفال و جوانان که مناسب با ضرورتهای آنها باشد؛

(ه) توسعه و گسترش دوامدار امکانات مناسب برای حمایت، رفاه و رشد اطفال و جوانان به شمول جوانان استخدام شده و مشغول کار؛

۳. ضرورت‌های اطفال و جوانانی که دارای خانواده نیستند یا همراه با خانواده خود زندگی نمی‌کنند و اطفال و جوانان مهاجری که با خانواده‌های خود زندگی و مسافرت می‌کنند، باید در نظر گرفته شود. کمک هزینه تحصیلی و آموزش حرفه‌ای باید در تدابیری که بدین منظور اتخاذ می‌شوند، شامل شود.

۴. حضور تمام وقت در مکتب یا اشتراک در برنامه‌های آموزشی تأیید شده باید تا سنی تأمین گردد که حداقل برابر با سن پذیرش به اشتغال بر اساس ماده ۲ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ باشد.

۵. (الف) تدابیری نظیر آموزش مقدماتی، که شامل خطر نباشد، برای انواع کاری که در رابطه با آن حداقل سن بر اساس ماده ۳ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ تجویز شده و بالاتر از سن تکمیل تعلیم و تربیه تمام وقت و اجباری باشد، باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

(ب) تدابیر مشابه‌ای باید در زمانی که ضرورت حرفه‌ای یک کار شامل حداقل سن پذیرشی باشد که بالاتر از سن تکمیل تعلیم و تربیه تمام وقت و اجباری قرار دارد، اتخاذ شود.

### **دوم. حداقل سن**

۶. حداقل سن کار باید در سطح یکسانی برای کلیه بخش‌های فعالیت اقتصادی تعیین گردد.  
۷. (۱) *اعضاء باید افزایش دوامدار حداقل سن پذیرش به کار را در مطابقت با ماده ۲ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ به ۱۶ سال را هدف خود قرار دهند.*

(۲) در صورتی که حداقل سن کار مندرج در ماده ۲ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ پایین‌تر از ۱۵ سال قرار دارد، تدابیر فوری باید در جهت افزایش آن به سطح فوق اتخاذ شود.

۸. در صورتی که عجلتاً امکان تعیین حداقل سن برای کلیه کارها در عرصه زراعت و فعالیت‌های مربوط در مناطق روستایی وجود ندارد، کم‌از کم باید حداقل سن برای کشت و زرع و سایر کارهای زراعتی مندرج در ماده ۵، بند ۳، مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ تعیین شود.

### **سوم. اشتغال یا کار زیانبار**

۹. در صورتی که حداقل سن پذیرش به اشتغال یا کاری که احتمالاً صحت، امنیت و اخلاقیات جوانان را به خطر می‌اندازد، هنوز زیر ۱۸ سال قرار دارد، تدابیر فوری باید برای افزایش آن به سطح فوق اتخاذ شود.

۱۰. (۱) در تعیین انواع اشتغال یا کاری که ماده ۳ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ بر آن قابل تطبیق است، باید موازین بین المللی کار به شمول معیارهای مربوط به مواد، عوامل و روندهای خطرناک (به شمول تشعشعات اتمی)، برداشت اوزان سنگین و کار زیرزمینی در نظر گرفته شود.

(۲) فهرست انواع اشتغال یا کار مورد نظر باید نظر به پیشرفت علم و فناوری به طور منظم مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

۱۱. در صورتی که با عطف به ماده ۵ مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ عجاتاً حداقل سن برای برخی از فعالیتهای اقتصادی تعیین نشده است، مقررات مناسب حداقل سن باید برای انواع اشتغال و کار زیانبار جوانان وضع گردد.

#### **چهارم. شرایط اشتغال**

۱۲. (۱) تدابیری باید به منظور تضمین این که شرایط کار اطفال و جوانان زیر ۱۸ سال در سطح قناعت بخش بوده و خواهد بود، اتخاذ شود. از این شرایط باید به طور جدی نظارت شود.  
(۲) همچنین گامهایی باید به منظور تضمین و نظارت از شرایط حاکم بر مکاتب و نهادهای آموزش حرفه ای اطفال و جوانان و تنظیم معیارهای پیشرفت و حمایت از آنها برداشته شود.  
۱۳.

(۱) در رابطه با تطبیق بند پیشین و ماده ۷، بند ۲، مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳، توجه خاصی باید به موارد ذیل صورت پذیرد:

(الف) تهیه حق الزحمه عادلانه و حمایت از آن با در نظر داشت اصل مزد برابر برای کار برابر؛  
(ب) محدودیت ساعات کار در یک روز و در یک هفته و ممنوعیت اضافه کاری به منظور ممکن نمودن فرصت تعلیم و تربیه و کارآموزی (به شمول وقت مورد نیاز برای انجام کار خانگی)، استراحت در جریان روز و تفریح؛

(ج) اعطای، بدون استثناء، یک مدت ۱۲ ساعته استراحت شبانه و روزهای تفریح آخر هفته که مرسوم است؛

(د) اعطای رخصتی سالانه همراه با معاش برای حداقل چهار هفته و در هر حالت، این رخصتی نباید کوتاه تر از رخصتی بزرگسالان باشد؛

(هـ) پوشش توسط طرحهای امنیت اجتماعی به شمول مصدومیت ناشی از کار، مراقبت صحی و طرحهای حمایت در برابر بیماری در کلیه حالات کاری؛

(و) رعایت امنیت، صحت، آموزش و نظارت به طور قناعت بخش؛

(۲) قسمت (۱) این بند بر دریانوردان جوان تا اندازه ای قابل تطبیق است که آنها تحت پوشش مقاله نامه ها و توصیه نامه های سازمان بین المللی کار در خصوص اشتغال بحری قرار داشته باشند.

#### **پنجم. تطبیق**

۱۴.

(۱) تدابیر به منظور تطبیق مؤثر مقاله نامه حداقل سن کار ۱۹۷۳ و این توصیه نامه باید شامل موارد ذیل باشد:

(الف) در صورت لزوم، تحکیم تفتیش کار و خدمات مربوط برای مثال توسط آموزش مفتشین به منظور تحقیق تخطی ها در کار یا اشتغال اطفال و جوانان و به منظور رفع این تخطی ها؛

(ب) تحکیم و بهبود تفتیش آموزش حرفه ای.

(۲) باید بر نقش مفتشین در فراهم آوری معلومات و مشوره درباره راه های مؤثر رعایت معیارها و احکام مربوط تأکید شود.

(۳) تفتیش کار و تفتیش آموزش حرفه ای باید به منظور تأمین بهترین بهره وری اقتصادی هماهنگ شود و در مجموع، ادارات باید با همکاری و هماهنگی مسؤولین تعلیم و تربیه، کارآموزی، رفاه و ارشاد اطفال و جوانان کار نمایند.

۱۵. توجه خاص باید به موارد زیر صورت گیرد:

(الف) تطبیق مفاد مربوط به اشتغال در کارهای زیانبار؛

(ب) جلوگیری از اشتغال اطفال و جوانان در صورت جاری بودن تعلیم و تربیه اجباری.

۱۶. اقدامات ذیل باید به منظور تثبیت سن اتخاذ شود:

(الف) مقامات عامه باید یک سیستم را به منظور ثبت تولد و صدور تصدیقنامه های تولد ایجاد نمایند؛

(ب) کارفرمایان و مسؤولین نهادهای آموزش حرفه ای باید ملزم به حفظ و ارائه اسناد و مدارک درباره اسم، سن و تاریخ تولد استخدام شوندهگان و شاگردان خود باشند؛

(ج) اطفال و جوانان مصروف کار در سرک، دکانها در فضای باز، اماکن عامه، دوره گردی یا سایر حالات که ثبت معلومات را توسط کارفرمایان ناممکن می نماید، باید دارای جوازنامه باشند.

ضمیمه چهارم

**مقاله نامه ۱۸۲ مقاله بدترین اشکال کار اطفال ۱۹۹۹**

کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار؛

که توسط هیأت مدیره دفتر بین المللی کار در جنیوا گرد آمده و هشتاد و هفتمین اجلاس خود را در تاریخ ۱ جون ۱۹۹۹ برگزار نمود؛

با در نظر داشت نیازمندی به تصویب اسناد جدید به منظور منع و رفع بدترین اشکال کار اطفال؛

منحیث اولویت عمده برای اقدام ملی و بین المللی به شمول مساعدت و همکاری بین المللی و به منظور اتمام مقاله نامه و توصیه نامه در رابطه به حداقل سن پذیرش به کار ۱۹۷۳ که منحیث اسناد بنیادی در مورد کار اطفال باقیمانده است؛

با در نظر داشت این که محو مؤثر بدترین اشکال کار اطفال ایجاب اقدام همه جانبه و فوری را مینماید و با توجه به اهمیت تعلیم و تربیه رایگان و نیاز به رهایی اطفال مورد نظر از چنین کارهایی و فراهم آوری زمینه احیای مجدد و آمیزش اجتماعی شان در حالی که نیازمندی های خانوادگی آنها مد نظر گرفته شود و

با یادآوری مصوبه مربوط به محو کار اطفال که در هشتاد و سومین اجلاس کنفرانس بین المللی کار در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید؛

با تشخیص این که کار اطفال تا حد زیادی ناشی از فقر میباشد و هم این که رفع درازمدت آن مربوط میشود به رشد پایدار اقتصادی و انکشاف اجتماعی به ویژه فرزندی و تعلیم و تربیه عمومی؛

با یادآوری مقاله نامه حقوق طفل که در تاریخ ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ از سوی مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید؛

با یادآوری اعلامیه سازمان بین المللی کار در مورد اصول اساسی و حقوق کار و دنیاله آن که در هشتاد و ششمین اجلاس کنفرانس بین المللی کار در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسید؛

با یادآوری این که برخی از بدترین اشکال کار اطفال از سوی سایر اسناد بین المللی احتوا گردیده است به ویژه مقاله نامه کار اجباری ۱۹۳۰ و مقاله نامه الحاقی ملل متحد در مورد لغو بردگی، تجارت برده، و روبه ها و عملکردهای مشابه به بردگی ۱۹۵۶؛

با تصمیم گیری در مورد تصویب سفارشات مشخص در رابطه به کار اطفال که چهارمین موضوع اجندای این اجلاس میباشد؛

مصمم بر این که این پیشنهادات باید شکل یک مقاله نامه بین المللی را اختیار نماید؛

در هفدهمین روز ماه جون سال یک هزار و نه صد و نود و نه این مقاله نامه را که به نام «مقاله نامه بدترین اشکال کار اطفال» نامیده خواهد شد، بطور ذیل به تصویب می رساند:

## ماده ۱

هر عضوی که این مقاله نامه را تصویب می نماید، بایست تدابیر مؤثر و فوری را به منظور منع و محو بدترین اشکال کار اطفال منحیت یک موضوع عاجل اتخاذ نماید.

## ماده ۲

برای اهداف این مقاله نامه، اصطلاح طفل به هر فرد زیر سن ۱۸ سالگی اطلاق می گردد.

## ماده ۳

برای اهداف این مقاله نامه، اصطلاح بدترین اشکال کار شامل موارد ذیل می باشد:

(الف) همه اشکال بردگی و مشابه به بردگی چون فروش و قاچاق اطفال، گرو در برابر قرضداری، غلامی، کار اجباری به شمول استخدام اجباری اطفال در درگیری های مسلحانه؛

(ب) استفاده، تقدیم و اعطای یک طفل به منظور روسپیگری، تهیه عکس های برهنه و یا نمایشات برهنه و شهوانی؛

(ج) استفاده، تقدیم و اعطای یک طفل به منظور فعالیتهای نامشروع به ویژه به هدف تهیه و قاچاق مواد مخدر طوری که در معاهدات بین المللی تعریف گردیده است؛

(د) کاری که از نظر نوعیت و محیط آن برای صحت، مصونیت و اخلاق اطفال مضر باشد.

## ماده ۴

۱. اشکال کار که در تحت ماده سوم تذکر گردیده، باید توسط قوانین و یا مقررات ملی و یا مقام باصلاحیت، پس از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط تعیین و تأیید گردد، البته با در نظر داشت معیارهای بین المللی به ویژه بندهای ۳ و ۴ توصیه نامه بدترین اشکال کار اطفال ۱۹۹۹.

۲. مقام باصلاحیت، پس از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط، باید تشخیص دهد که اشکال کار معینه در کجا وجود دارد.

۳. فهرست اشکال کارهایی که در بند ۱ این ماده معین گردیده، باید به صورت وقفه ای طوری که لازم باشد و در مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط مورد آزمایش و تجدید قرار داده شود.

## ماده ۵

۱. هر عضو، پس از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان مربوط، باید راهکارهای مناسب تطبیق و نظارت از این مفاد را تعیین و مشخص نماید تا به این مقاله نامه مؤثریت بخشد.

۲. این چنین برنامه های عمل باید در مشوره با نهادهای ذیربط دولتی و سازمانهای کارگران و کارفرمایان با در نظر داشت دیدگاه های سایر گروه های مربوط طرح و تطبیق گردد.

## ماده ۶

۱. اعضاء باید برنامه هاپي را به منظور رفع بدترین اشکال کار اطفال منحيث یک اولويت طرح و تطبيق نمايند.
۲. این برنامه ها باید با مشوره نهادهای ذيربط دولتي، سازمانهای کارگران و کارفرمایان و با در نظر داشت دیدگاه های سایر گروه های مربوط طرح و تطبيق شوند.

## ماده ۷

۱. هر عضو باید همه تدابير لازم را به منظور تطبيق مؤثر و انفاذ این مفاد اتخاذ نماید تا به این مقاوله نامه مؤثريت بخشد به شمول وضع و تطبيق تعزیرات جزایي و سایر تعزیرات طوري که لازم باشد.
۲. هر عضو باید با در نظر داشت اهمیت تعلیم و تربیه در محو کار اطفال، تدابير مؤثر مقطعي ذیل را اتخاذ نماید:
  - (الف) جلوگیری از اشتغال اطفال در بدترین اشکال کار؛
  - (ب) فراهم آوری مساعدتهای مناسب و مستقیم به منظور سبکدوشي اطفال از بدترین اشکال کار و تأمین احیای مجدد و آمیزش اجتماعي آنها؛
  - (ج) تأمین دسترسي به تعلیم و تربیه ابتدایي رایگان و درصورت امکان و لزوم دید، آموزشهای حرفه ای برای همه اطفالی که از بدترین اشکال کار رهایی یافته اند؛
  - (د) شناسایی و رسیدگی به اطفال در معرض خطر؛ و
  - (ه) در نظر گرفتن وضعیت ویژه دختران.
۳. هر عضو باید مقامات مسؤول و باصلاحیت را به منظور تطبيق این مفاد و تأثیر بخشیدن به این مقاوله نامه شناسایی نماید.

## ماده ۸

اعضاء باید گامهای مناسبی را به منظور مساعدت به همدیگر در زمینه تأثیربخشي به مفاد این مقاوله نامه از طریق بالا بردن سطح همکاریهای بین المللي و یا مساعدتها به شمول حمایت از رشد اقتصادي، اجتماعي، برنامه های فقرزدایي و تعلیم و تربیه عمومي بردارند.

## ماده ۹

تصویب رسمي این مقاوله نامه به مدیر عمومي دفتر بین المللي کار به منظور ثبت آن ابلاغ مي گردد.

## ماده ۱۰

۱. این مقاوله نامه صرف بالای آن اعضاي سازمان بین المللي کار الزامي مي باشد، که تصویب آنها توسط مدیر عمومي ثبت شده باشد.
۲. این مقاوله نامه ۱۲ ماه پس از تاریخ ثبت دومین تصویب توسط مدیر عمومي، نافذ مي گردد.

۳. از این رو، این مقاله نامه برای هر عضو ۱۲ ماه پس از تاریخ ثبت تصویب آنها نافذ شمرده میشود.

#### **ماده ۱۱**

۱. یک عضو که این مقاله نامه را تصویب نموده، میتواند پس از گذشت ده سال از تاریخ انفاذ آن توسط یک نامه عنوانی مدیر عمومی دفتر بین المللی کار آن را فسخ نماید. این الغا تا یکسال پس از ثبت فسخ نامه، مدار اعتبار می باشد.

۲. هر عضو که این مقاله نامه را تصویب نموده باشد و در سال بعد از دوره ده ساله انقضاء که در این ماده تذکر یافته است آن را فسخ نکرده باشد، برای ده سال دیگر ملزم به رعایت این مقاله نامه میباشد و از این رو میتواند آن را پس از انقضای ده سال طوری که در این ماده تذکر گردیده، فسخ نماید.

#### **ماده ۱۲**

۱. مدیر عمومی دفتر بین المللی کار همه اعضای سازمان بین المللی کار را در مورد نامه های تصویب و فسخ که از سوی اعضای این سازمان مواصلت ورزیده، مطلع می نماید.

۲. زمانی که به اعضای سازمان در مورد ثبت دومین تصویب اطلاع داده میشود، مدیر عمومی توجه اعضای سازمان را به تاریخ انفاذ مقاله نامه جلب می نماید.

#### **ماده ۱۳**

مدیر عمومی دفتر بین المللی کار مطابق به ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد در مورد مشخصات مکمل همه تصویب نامه ها و فسخ نامه ها که در نزد مدیر عمومی طبق مفاد ماده های پیشین راجستر شده است، به سرمنشی ملل متحد جهت ثبت اطلاع میدهد.

#### **ماده ۱۴**

در چنین مواقع طوری که لازم دانسته شود، هیأت مدیره دفتر بین المللی کار یک گزارش را در مورد کارکردهای این مقاله نامه به کنفرانس عمومی ارائه میدارد و تمایلات گنجانیدن مسئله تجدید کلی و یا قسمی آن را در اجندای کنفرانس بررسی می نماید.

#### **ماده ۱۵**

۱. در صورتی که کنفرانس با تجدید کلی و یا قسمی این مقاله نامه، یک مقاله نامه جدید را اتخاذ نماید و در مقاله نامه جدید ترتیبات دیگری مقرر نشده باشد:

(الف) تصویب مقاله نامه جدید توسط یک عضو قانوناً موجب فسخ فوری این مقاله نامه خواهد شد، بدون در نظر داشت مفاد ماده ۱۱، اگر و درحالی که مقاله نامه تجدید شده نافذ شده باشد.

(ب) از تاریخی که مقاله نامه جدید نافذ می شود، روند تصویب این مقاله نامه توسط اعضا پایان می یابد.

۲. به هر حال، این مقاله نامه با شکل و محتوای اصلی اش برای اعضای که آن را تصویب نموده اند و به مقاله نامه تجدید نظر شده نپیوسته باشند، همچنان نافذ و معتبر خواهد بود.

**ماده ۱۶**

متن های انگلیسی و فرانسوی این مفاوله نامه از اعتبار مساوی برخوردار اند.

## ضمیمه پنجم

**توصیه نامه ۱۹۰؛ مقاله نامه بدترین اشکال کار اطفال ۱۹۹۹**

کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار؛

با همایشی به دعوت هیأت مدیره دفتر بین المللی کار در جنیوا و ضمن ملاقات در هشتمین اجلاس آن در اول جون ۱۹۹۹؛

با تصویب مقاله نامه بدترین اشکال کار اطفال ۱۹۹۹؛

با تصمیم در خصوص اتخاذ پیشنهادات مشخص نسبت به کار اطفال که چهارمین موضوع دستور کار جلسه را تشکیل می دهد؛

با تصمیم بر این که این پیشنهادات به شکل توصیه نامه ای درآید که متمم مقاله نامه بدترین اشکال کار اطفال ۱۹۹۹ باشد؛

توصیه نامه ذیل را در هفدهمین روز ماه جون سال یک هزار و نه صد و نود و نه تحت عنوان «توصیه نامه بدترین اشکال کار اطفال» به تصویب میرساند:

۱. مفاد این توصیه نامه متمم احکام مقاله نامه بدترین اشکال کار اطفال ۱۹۹۹ بوده (منبع مقاله نامه نامیده میشود) و مطابق با آن مورد تطبیق قرار میگیرد.

**اول. برنامه های عمل**

۲. برنامه های عمل مندرج در ماده ۶ مقاله نامه باید به عنوان یک امر اضطراری، با مشوره با نهادهای دولتی و سازمانهای کارفرمایان و کارگران، و با در نظر داشت دیدگاه اطفال که به صورت مستقیم از بدترین اشکال کار اطفال متأثر میگردند، و فامیل ها در صورت لزوم سایر گروه های درگیر که متعهد اهداف مقاله نامه و توصیه نامه حاضر باشد، طرح و تطبیق گردد. چنین برنامه ها باید دارای اهداف ذیل باشد:

(الف) شناسایی و تقبیح بدترین اشکال کار اطفال؛

(ب) جلوگیری از اشتغال اطفال و نجات آنها از بدترین اشکال کار اطفال، حمایت از آنها در مقابل اعمال تلافی جویانه و فراهم نمودن شرایط احیایی و آمیزش اجتماعی آنها از طریق وضع تدابیر که نیازمندی های تعلیمی، بدنی و روانی آنها را تأمین نماید؛

(ج) مبدول داشتن توجه ویژه به:

(قسمت ۱) اطفال جوان؛

(قسمت ۲) دختر طفلان؛

(قسمت ۳) مشکل وضعیت کار پنهانی، که دختران در معرض خطر ویژه قرار دارند؛

(قسمت ۴) سایر گروه های اطفال آسیب پذیر یا اطفال با نیازمندی های خاص؛

(د) شناسایی، آگاهی دهی و یا کار با جوامع که اطفال در معرض خطر ویژه قرار دارند؛

(ه) آگاهی دهی، بیداری و بسیج عقاید مردم و گروه های مربوط، به شمول اطفال و فامیل های شان.

### **دوم. کار زیان آور**

۳. ضمن تعیین نوع کار مندرج در ماده ۳ (د) مقاله نامه و با شناسایی محل آن، موارد ذیل باید در نظر گرفته شود:

(الف) کاری که اطفال را در معرض بدرفتاریهای بدنی، روانی و جنسی قرار میدهد؛

(ب) کار زیرزمینی، زیر آب، در ارتفاعات خطرناک و یا در محلات محدود؛

(ج) کار با ماشین آلات خطرناک، تجهیزات و ابزار یا آنهایی که کاربرد آن با دست صورت میگیرد یا حمل و نقل بارهای سنگین؛

(د) کار در محیط غیر صحیحی که ممکن بطور مثال اطفال را در معرض اشیاء و مواد زیان آور، عوامل و روندها و درجه حرارت، صدای بلند و اهتزازات قرار بدهد که برای صحت اطفال مضر باشد؛

(ه) کار تحت شرایط مشکل مانند کار برای ساعت های طولانی یا در هنگام شب یا جایی که اطفال بدون موجب در تعمیر کارفرما مقید بماند.

۴. در مورد نوع کار مندرج در ماده ۳ (د) مقاله نامه و فقره ۲ فوق، قوانین ملی یا مقررات یا مراجع باصلاحیت میتوانند بعد از مشوره با سازمان های کارگران و کارفرمایان مربوط، استخدام یا کار اطفال را از سن ۱۶ تجویز نمایند به شرطی که صحت، مصونیت و اخلاقیات اطفال مربوط به صورت کامل حمایت گردیده و اطفال دستورات یا آموزش های حرفه ای را در بخش فعالیتهای مربوط حاصل نموده باشد.

### **سوم. تطبیق**

۵

(۱) معلومات و احصائیه مفصل در خصوص ماهیت و اندازه کار اطفال باید جمع آوری، تدوین و تجدید یا به روزرسانی شود تا اساسی باشد برای تعیین اولیتهای برنامه ملی به منظور لغو کار اطفال به ویژه برای منع و محو بدترین اشکال آن به حیث یک امر فوری.

(۲) تا حد امکان، همچو معلومات و احصائیه باید شامل اطلاعاتی باشد که بر اساس جنس، سن، شغل، بخش فعالیت اقتصادی، وضع استخدام، حضور در مکتب و موقعیت های جغرافیایی تفکیک شده باشد. اهمیت یک سیستم مؤثر ثبت نام متولدین به شمول اصدار گواهینامه تولد باید مد نظر گرفته شود.

(۳) اطلاعات مربوط به تخطی های احکام ملی مبنی بر منع و محو بدترین اشکال کار اطفال باید تدوین و تجدید یا به روزرسانی شود.

۶. تدوین و تهیه معلومات و اطلاعات مندرج در فقره ۵ باید با توجه خاص به حق محرمیت صورت گیرد

۷. معلومات تدوین شده در فقره ۵ فوق باید مرتباً با دفتر بین المللی کار در میان گذاشته شود.

۸. اعضای مقاله نامه باید راهکارهای مناسب ملی را جهت نظارت از تطبیق احکام ملی به منظور منع و محو بدترین اشکال کار اطفال بعد از مشوره با سازمانهای کارگران و کارفرمایان طرح و تطبیق نمایند.

۹. اعضاء باید تأمین نمایند تا مراجع باصلاحیت که مسؤول تطبیق احکام ملی مبنی بر منع و محو بدترین اشکال کار اطفال اند باهمدیگر همکاری داشته و فعالیت های شان را هماهنگ نمایند.

۱۰. قوانین یا مقررات ملی و یا مراجع باصلاحیت باید افراد مسؤول را در صورت عدم سازگاری با احکام ملی مبنی بر منع و محو بدترین اشکال کار اطفال شناسایی نمایند.

۱۱. اعضاء باید تا جایی که با قوانین ملی سازگار باشد، با تلاشهای بین المللی مبنی بر منع و محو بدترین اشکال کار اطفال منحث یک امر فوری از طریق ذیل همکاری نمایند:

(الف) جمع آوری و تبادل اطلاعات در رابطه به جرایم جنایی، به شمول آنهایی که شامل شبکه های بین المللی میشوند؛

(ب) شناسایی و تعقیب آنهایی که در فروش، قاچاق، بهره برداری، تهیه و پیشکش نمودن اطفال به منظور فعالیتها نامشروع، روسپیگری، تهیه عکس های برهنه و شهوانی و نمایشات برهنه دخالت دارند؛

(ج) ثبت و راجستر مرتکبین چنین جرایم.

۱۲. اعضاء باید اذعان دارند که بدترین اشکال کار اطفال که ذیلاً ذکر میشود، جرایم جنایی پنداشته میشوند:

(الف) همه اشکال بردگی و عملکردهای مشابه به بردگی، چون فروش و قاچاق اطفال، گرو در برابر بدهی و غلامی و کار اجباری و شاقه، بشمول استخدام اجباری اطفال و استفاده از آنها در درگیریهای مسلحانه؛

(ب) بهره برداری، تهیه و پیشکش نمودن اطفال به منظور فعالیت های نامشروع، تهیه عکسهای برهنه و نمایشات برهنه و قبیح؛

(ج) استفاده، تهیه و تقدیم اطفال به منظور فعالیت های نامشروع، به ویژه به منظور تولید و قاچاق مواد مخدر طوری که در معاهدات بین المللی تعریف گردیده، و یا دخیل ساختن آنها در فعالیت غیرقانونی استعمال و انتقال سلاح های گرم.

۱۳. اعضاء باید تأمین نمایند که مجازات به شمول مجازات کیفری، تا جایی که مناسب پنداشته شود، در برابر نقض کنندگان احکام ملی به منظور منع و امحای هر گونه کار مندرج در ماده سوم این مقاله نامه اعمال گردد.

۱۴. اعضاء باید همچنان تدابیر کیفری، ملکی و اداری دیگری را به حیث یک امر فوری، تا جایی که مناسب پنداشته میشود، به منظور تأمین اجرای مؤثر احکام ملی مبنی بر منع و امحای بدترین اشکال کار اطفال اتخاذ نمایند، چون اعمال نظارت ویژه بر شرکت هایی که از بدترین اشکال کار اطفال بهره میبرند، و در صورت تداوم تخطی ها، در مورد متوقف نمودن موقتی و یا دائمی فعالیت های شان فکر شود.

۱۵. سایر تدابیر به منظور منع و امحای بدترین اشکال کار اطفال شامل موارد ذیل میباشد:

(الف) آگاهی دهی، بیداری و بسیج مردم عامه، به شمول رهبران ملی و سیاسی، نمایندگان پارلمان و قضات؛

(ب) شامل ساختن و آموزش دهی سازمان های کارفرمایان و کارگران و سازمان های مردمی؛

(ج) فراهم آوری آموزش های مناسب برای کارمندان دولتی مربوط، به ویژه ثارنوالان و مجریان قانون و برای سایر پیشه وران مربوط؛

(د) پیگرد قانونی در کشور متبوع افراد کشور عضوی که تحت احکام ملی مبنی بر منع و محو فوری بدترین اشکال کار اطفال مرتکب جرم میگردند حتی اگر ارتکاب این جرم در کشور دیگر صورت گیرد؛

(ه) ساده سازی طرز عمل های قانونی و اداری و تأمین این که آنها مناسب و فوری میباشد؛

- (و) ترغیب طرح با سرعت بخشیدن به اهداف مقابله نامه؛
- (ز) نظارت و تبلیغات مبنی بر بهترین عملکردها در خصوص محو کار اطفال؛
- (ح) راه اندازی تبلیغات در مورد قانون و سایر احکام در رابطه به کار اطفال به لهجه و زبان های مختلف؛
- (ط) ایجاد طرز عمل های ویژه شکایات و آمادگی جهت حمایت از آنهایی که بطور مشروع تخطی های احکام این مقابله نامه را آشکار می نمایند، در برابر تبعیض و تلافی و همچنان ایجاد خط کمک و نقاط تماس و رسیدگی به شکایات؛
- (ی) اتخاذ تدابیر مناسب جهت بهبود تأسیسات تعلیمی و آموزش معلمان جهت رفع نیازمندی های دختران و پسران؛
- (ک) در نظر گرفتن نکات ذیل تا حد امکان، در برنامه های عمل ملی:
- (قسمت ۱) ضرورت ایجاد زمینه های کار و آموزش های حرفه ای برای والدین و بزرگان در فامیل اطفال که تحت شرایط مندرج در این مقابله نامه کار مینمایند؛
- (قسمت ۲) ضرورت بیدارسازی والدین نسبت به مشکلات اطفال که در همچو شرایط به سر میبرند.
۱۶. ارتقای همکاری بین المللی و یا مساعدت میان اعضای مقابله نامه جهت منع و محو مؤثر بدترین اشکال کار اطفال باید تکمیل کننده تلاش های ملی بوده و در صورت امکان با مشوره با سازمان های کارفرمایان و کارگران باید توسعه یافته مورد تطبیق قرار گیرند. چنین همکاریهای بین المللی و مساعدتها باید شامل نکات ذیل باشد:
- (الف) تجهیز منابع برای برنامه های ملی و بین المللی؛
- (ب) مساعدت های قانونی متقابل؛
- (ج) مساعدت فنی بشمول تبادل نظرات؛
- (د) حمایت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، برنامه های فقرزدایی و برنامه تعلیمات جهانی.